یا لثارات الحسین(ع)

دوشنبه
۲۵ آبان ۱۴۰۵
۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
۱۶ نوامبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۹۱
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

جمهوری اسلامی ایران
وزارت اطلاعات

گزارش «آگاه» درباره موافقت مجلس با یک فوریت طرح اصلاح قانون تاسیس وزارت اطلاعات را بخوانید

مقتدر و سریع در برابر تهدیدات نوین

۲

گفت‌وگوی تفصیلی «آگاه» با رضا دبیری‌نژاد مدیر موزه هنرهای معاصر

موزه باید به محلی برای گفت‌وگو تبدیل شود

۵

پدافند آمریکا در پایگاه الرفاع بحرین توسط سپاه منهدم شد

۶ پهپاد یک پیام

۳

از قاب تلویزیون تا دوربین تلفن همراه در جست‌وجوی افراد

گمشده‌هایی که چشم‌انتظار پیدا شدن هستند

۶



نمایشگاه سیتکس؛ دروازه ارتباط تهران با فناوری و نوآوری‌های شهری است

پیوند دانش‌بنیان‌ها با مسائل پایتخت

۷

ریشه‌های تهدید یک رئیس‌جمهور جنایتکار



سیدمرتضی مفیدنژاد
روزنامه‌نگار

اخیرا ترامپ در همجه لفظی مجدد خطاب به ایرانیان و مسئولین ایرانی الفاظ توهین‌آمیزی را به کار برده است و گستاخانه برای چندمین بار اهانت به رهبر و ملت ایران را تکرار کرده است. فارغ از شخصیت بیمار و خودبزرگ‌بینی که او دارد یک سوال مهم و اساسی مطرح می‌شود و آن اینکه ریشه فکری چنین عتاب‌هایی کجاست و او بر اساس چه مشرب نظری به خود اجازه می‌دهد تا چنین توهین‌های بی‌قاعده‌ای را به یک ملت پرسابقه با ریشه‌های تمدنی عمیق ابراز دارد؟ در ادامه چند نکته حائز اهمیت مورد اشاره قرار خواهد گرفت که مبین این است که این توهین‌ها صرفا یک واکنش احساسی یا شخصی از سوی ترامپ نیست، بلکه محصول یک ساختار فکری و تمدنی است.

انسان محوری؛ نخستین و شاید بنیادی‌ترین رکن تمدن مدرن غربی، انسان‌محوری است. در قرون وسطی، خدا و دین، محور شناخت و ارزش‌ها بودند؛ اما با آغاز رنسانس، جای خدا به‌تدریج به «انسان» داده شد. بدین ترتیب، مرجعیت اخلاقی از دین به انسان منتقل شد و پیشرفت مادی به عنوان شاخص برتری تمدنی تعریف شد اما این مسئله منجر به پدیده دیگری نیز شد و آن مشروعیت دادن به سلطه انسان غربی بر طبیعت و دیگر جوامع انسانی بود. بدین ترتیب غربی‌ها در دوران مختلف تاریخ خود، تعریف‌شان از انسان را به نوعی تغییر دادند که مردم در برخی از جوامع را «انسان» ندانند و بدین ترتیب هرنوع جنایت و تجاوز را براین «نیمه انسان‌ها» یا «موجودات غیرانسانی» روا بدانند. همین مسئله را در بحث جنگ غزه نیز مشاهده کردیم و در جنگ تحمیلی دوم و سوم نسبت به ملت ایران این مقوله صورت گرفت.

دومین رکن تمدن غربی، لیبرالیسم است؛ مکتبی که بر اساس آموزه‌های آن، جامعه به صحنه رقابت بی‌پایان برای منافع شخصی و در سطح جهانی، توجیه استعمار و انباشت ثروت از طریق سلطه بر دیگران می‌شود. بر این اساس مفاهیمی مانند «دموکراسی»، «حقوق بشر» و «آزادی» اغلب به ابزار سیاست خارجی تبدیل شده و کشتار یا دخالت نظامی در کشورهای دیگر را مشروع می‌کند. این رویه را ما بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر مشاهده کردیم که به شکل رادیکال‌تری پیش می‌رود و عمدتا جوامع مسلمان را هم نشانه می‌رود. حرکات و برنامه‌های ترامپ در این سال‌ها هم جدا از این نبوده است.

سرمایه سالاری و اصالت سود در تحلیل امروز غرب جزو اصلی است. در این مشرب، هیچ احترام یا ارزش اخلاقی (حتی در سطح میان کشوری) وجود ندارد و همه چیز «معامله» است. آنها ملت‌ها و رهبران را نه به عنوان موجوداتی دارای کرامت انسانی، بلکه به عنوان «رقبا» یا «مشتریان» یا «موانع» در یک بازی بزرگ سود و زیان می‌بینند. وقتی توهین می‌کند، در واقع دارد به شما می‌گوید: «تو برای من ارزش انسانی نداری، تو فقط یک متغیر در محاسبه سود و زیان من هستی.»

در آخر باید تصریح کنم در واقع توهین‌های رئیس جمهور تروریست آمریکا چکیده مبانی نظری تمدنی است که می‌گوید اگر تو مثل ما نیستی؛ پس انسان کاملی نیستی؛ ارزش احترامی نداری و در نهایت تو تنها یک ابزار یا مانع هستی.

تمرکز منابع مالی در پایتخت چگونه فرصت‌های اقتصادی مناطق مختلف کشور را محدود کرده است؟

عدالت در نقدینگی؛ حلقه مفقوده توسعه متوازن

توزیع عادلانه منابع مالی و هدایت نقدینگی به سمت ظرفیت‌های واقعی اقتصاد، یکی از پیش‌نیازهای تحقق توسعه متوازن منطقه‌ای است؛ موضوعی که با وجود برخورداری ایران از ظرفیت‌های گسترده طبیعی، انسانی و اقتصادی در استان‌های مختلف، همچنان با چالش‌های جدی روبه‌روست.

تمرکز بخش قابل توجهی از نقدینگی و اعتبارات در پایتخت، در کنار محدودیت دسترسی بنگاه‌های اقتصادی مناطق کمتر برخوردار به منابع مالی، موجب شده است بسیاری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تولید در استان‌ها بالفعل نشود. در چنین شرایطی، مسئله فقط افزایش حجم نقدینگی یا رشد منابع بانکی نیست، بلکه چگونگی توزیع، تخصیص و هدایت این منابع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه نقدینگی زمانی می‌تواند به موتور محرک اقتصاد تبدیل شود که متناسب با ظرفیت‌های جغرافیایی، مزیت‌های اقتصادی و نیازهای توسعه‌ای مناطق مختلف کشور جریان پیدا کند.

اقتصاد ایران برای عبور از چالش‌هایی همچون بیکاری، تورم، فقر و نابرابری، بیش از هر زمان دیگری به بازنگری در الگوی توزیع منابع نیاز دارد. در این میان، عدالت در توزیع نقدینگی و اعتبارات بانکی نباید صرفا به معنای تقسیم مساوی منابع میان استان‌ها تلقی شود، بلکه باید بر مبنای ظرفیت‌های اقتصادی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، میزان محرومیت، بازدهی طرح‌ها و نیازهای واقعی هر منطقه تعریف شود. به بیان دیگر، عدالت اقتصادی زمانی محقق می‌شود که یک واحد تولیدی در خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، کردستان یا هرمزگان، متناسب با ظرفیت و توجیه اقتصادی خود، امکان دسترسی به منابع مالی داشته باشد و برای تامین سرمایه در گردش یا اجرای طرح توسعه‌ای، ناچار نباشد با محدودیت‌های ناشی از تمرکز منابع در مراکز بزرگ اقتصادی مواجه شود.

تمرکز ۶۲ درصد نقدینگی در تهران؛ زنگ خطر نابرابری منطقه‌ای

هادی قوامی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با روزنامه «آگاه» با اشاره به ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی و طبیعی کشور و ضرورت هدایت صحیح منابع، اظهار کرد: ایران یک جهان کوچک است؛ چراکه هم در منابع طبیعی و خدادادی، هم در نیروی انسانی و هم در سرمایه ظرفیت‌های قابل توجهی داریم، اما متاسفانه نتوانسته‌ایم این گنج را به پایانی برای رنج‌های مردم تبدیل کنیم. نماینده مردم اسفراین در مجلس شورای اسلامی افزود: امروز مردم با رنج بیکاری، تورم، نابرابری و فقر مواجه هستند و این مسائل متاسفانه روزبه‌روز عمق بیشتری پیدا می‌کند. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با انتقاد از نحوه توزیع نقدینگی در کشور تصریح کرد: این جای سوال دارد که چرا باید ۶۲ درصد از نقدینگی ۱۸ میلیون و ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی کشور در استان تهران باشد؟ نقدینگی باید روی نقشه سراسر ایران، از غرب رفیع تا شرق وسیع کشور و از شمال بارانی تا خلیج همیشه فارس، متناسب با ظرفیت‌های مناطق مختلف توزیع شود. وی تاکید کرد: اگر نقدینگی به شکل مناسب در سراسر کشور توزیع شود، به معنای توزیع مناسب امکانات و فرصت‌های اقتصادی و در نهایت توزیع متوازن نیروی انسانی نیز خواهد بود. این مسئله یکی از موضوعات اصلی است که باعث رنج مردم می‌شود و باید برای اصلاح آن چاره‌اندیشی کرد. اما این اظهارات بار دیگر یکی از مسائل بنیادین اقتصاد ایران را به صدر مباحث توسعه‌ای بازمی‌گرداند؛ اینکه چرا با وجود برخورداری استان‌های مختلف از منابع طبیعی، نیروی انسانی متخصص، زمین‌های مستعد کشاورزی، ظرفیت‌های معدنی، صنایع تبدیلی و موقعیت‌های ممتاز تجاری، سهم آنها از جریان منابع مالی متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی‌شان نیست؟ تمرکز نقدینگی در تهران را نمی‌توان صرفا یک مسئله آماری یا جغرافیایی دانست. بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی، شرکت‌های بزرگ، دفاتر مرکزی بنگاه‌ها، شبکه‌های مالی و خدمات تخصصی در پایتخت مستقر شده‌اند و همین مسئله می‌تواند در تمرکز سپرده‌ها و تسهیلات بانکی نیز اثرگذار باشد. با این حال، مسئله اصلی زمانی شکل می‌گیرد که تمرکز منابع مالی به تمرکز فرصت‌های سرمایه‌گذاری منجر شود و استان‌های دیگر برای تامین مالی طرح‌های اقتصادی خود با محدودیت مواجه بمانند. در چنین شرایطی، چرخه‌ای از نابرابری شکل می‌گیرد؛ منابع مالی در مناطق برخوردار متمرکز می‌شود، سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال نیز در همان مناطق افزایش پیدا می‌کند و در مقابل، استان‌هایی که از ظرفیت‌های تولیدی برخوردارند، به دلیل کمبود منابع مالی یا دشواری دسترسی به اعتبارات، از بالفعل کردن مزیت‌های خود بازمی‌مانند. نتیجه چنین روندی، تشدید مهاجرت نیروی انسانی، تمرکز جمعیت در کلان‌شهرها، افزایش هزینه‌های زیرساختی و کاهش توان اقتصادی مناطق کمتر برخوردار خواهد بود.

عدالت در اعتبارات؛ تقسیم مساوی یا تخصیص متناسب با ظرفیت‌ها؟

نکته مهم در بحث عدالت اعتباری این است که توزیع منابع نباید با نگاه یکسان به همه استان‌ها دنبال شود. هر منطقه از کشور دارای مزیت‌ها و محدودیت‌های خاص خود است و سیاست‌گذاری مالی باید این تفاوت‌ها را در نظر بگیرد. برای نمونه، استانی که ظرفیت گسترده‌ای در حوزه معدن دارد، به الگوی تامین مالی متفاوتی نسبت به استانی با مزیت کشاورزی، گردشگری یا صنایع دریایی نیازمند است. در یک منطقه، تامین سرمایه در گردش واحدهای فرآوری محصولات کشاورزی می‌تواند زنجیره ارزش و اشتغال را تقویت کند و در منطقه‌ای دیگر، تامین مالی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، صنایع معدنی یا فعالیت‌های بندری، زمینه‌ساز جهش اقتصادی شود. بنابراین، عدالت در توزیع اعتبارات به معنای تخصیص سهم برابر به همه استان‌ها نیست، بلکه به معنای ایجاد فرصت برابر برای بهره‌مندی از منابع مالی و تخصیص هدفمند اعتبارات بر اساس نیازها و ظرفیت‌های واقعی است. از این منظر، شبکه بانکی کشور باید از الگوی سنتی تخصیص تسهیلات فاصله بگیرد و به سمت تامین مالی مبتنی بر مزیت‌های منطقه‌ای حرکت کند. به این معنا که بانک‌ها علاوه بر ارزیابی توان بازپرداخت متقاضیان، ظرفیت‌های تولیدی و آثار اقتصادی طرح‌ها را نیز در فرآیند تصمیم‌گیری خود لحاظ کنند. همچنین لازم است سهم واقعی هر استان از تسهیلات پرداختی، منابع تجهیزشده و اعتبارات اختصاص‌یافته به فعالیت‌های مولد به‌صورت شفاف مشخص شود تا امکان ارزیابی عملکرد نظام بانکی در تحقق عدالت منطقه‌ای فراهم شود. در این میان، نقش دولت و بانک مرکزی در اصلاح سازوکارهای تخصیص اعتبار بسیار مهم است. سیاست‌گذار پولی باید بتواند با استفاده از ابزارهای نظارتی و اعتباری، زمینه دسترسی بنگاه‌های اقتصادی در استان‌ها به منابع مالی را فراهم کند و مانع آن شود که صرف تمرکز دفاتر مرکزی شرکت‌ها یا برخورداری مناطق از زیرساخت‌های مالی گسترده‌تر، به عاملی برای جذب نامتوازن اعتبارات تبدیل شود.

هدایت نقدینگی؛ از رشد ارقام تا خلق ارزش اقتصادی

قوامی در ادامه این گفت‌وگو با بیان اینکه «جلو ضرر را از هر جا بگیریم، منفعت است»، اظهار کرد: باید به تدبیر درست امور بازگردیم و از سیاست‌ها و رفتارهایی که موجب افزایش هزینه‌ها بدون ایجاد فایده و نتیجه می‌شوند، به شدت پرهیز کنیم. وی بر ضرورت افزایش بهره‌وری تاکید کرد و گفت: باید بهره‌وری را به مفهوم واقعی آن افزایش دهیم و هر منطقه را متناسب با استعداد و ظرفیت خودش رشد دهیم. آنچه از این اظهارات می‌توان دریافت، ضرورت عبور از نگاه کمی به نقدینگی و توجه به کیفیت جریان منابع در اقتصاد است. افزایش حجم نقدینگی به خودی خود به معنای افزایش تولید، اشتغال یا رفاه عمومی نیست؛ همان طور که رشد اعتبارات بانکی نیز الزاما به توسعه اقتصادی منجر نمی‌شود. آنچه اهمیت دارد، مقصد نهایی این منابع و میزان اثربخشی آنها در ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی است. در واقع، نقدینگی می‌تواند در صورت هدایت صحیح، به تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام، توسعه صنایع تبدیلی، نوسازی ماشین‌آلات، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و افزایش اشتغال منجر شود. اما اگر منابع مالی به جای فعالیت‌های مولد، به سمت معاملات سوداگرانه، خرید‌وفروش دارایی‌ها، فعالیت‌های غیرمولد و بازارهایی که ارزش افزوده پایدار ایجاد نمی‌کنند حرکت کند، نه‌تنها ظرفیت تولیدی کشور تقویت نخواهد شد، بلکه تقاضای غیرمولد و فشارهای تورمی نیز می‌تواند تشدید شود. از این رو، دولت باید هدایت نقدینگی به سمت تولید را به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل کند. این هدف صرفا با توصیه به بانک‌ها یا ابلاغ بخشنامه محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند اصلاح سازوکارهای تخصیص تسهیلات، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در بخش تولید، تسهیل دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به منابع مالی و ایجاد مشوق‌های موثر برای تامین مالی فعالیت‌های مولد است. در کنار این اقدامات، باید از طریق ابزارهای مالیاتی، نظارتی و سیاست‌های اعتباری، جذابیت فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه کاهش یابد تا سرمایه به جای گردش در بازارهای واسطه‌ای، به سمت تولید و سرمایه‌گذاری بلندمدت حرکت کند. البته مقابله با فعالیت‌های غیرمولد نباید به معنای محدود کردن غیرهدفمند جریان نقدینگی یا ایجاد موانع برای مبادلات اقتصادی باشد؛ بلکه باید با شناسایی مسیرهای انحراف منابع، اصلاح انگیزه‌های اقتصادی و ایجاد فرصت‌های سودآور و مطمئن در بخش تولید همراه شود. زمانی که تولیدکننده با نااطمینانی در تامین مواد اولیه، دشواری دریافت تسهیلات، نرخ بالای تامین مالی و مقررات متغیر مواجه است، نمی‌توان انتظار داشت سرمایه به‌صورت طبیعی به سمت فعالیت مولد حرکت کند. بنابراین، دولت باید همزمان با کنترل مسیرهای غیرمولد، محیط کسب‌وکار را برای سرمایه‌گذاری در تولید جذاب‌تر کند.

توسعه استان‌ها با اصلاح مسیر جریان منابع مالی

یکی از مهم‌ترین آثار هدایت هدفمند نقدینگی، تقویت توان اقتصادی استان‌ها و کاهش شکاف توسعه‌ای میان مناطق مختلف کشور است. در واقع، اگر منابع مالی متناسب با ظرفیت‌های منطقه‌ای توزیع شود، هر استان می‌تواند بر اساس مزیت‌های خود به یک کانون تولید و اشتغال تبدیل شود. برای تحقق این هدف، لازم است دولت نقشه جامع توزیع اعتبارات و سرمایه‌گذاری را بر اساس ظرفیت‌های اقتصادی و نیازهای توسعه‌ای استان‌ها تدوین کند. این نقشه باید مشخص کند هر منطقه در چه بخش‌هایی مزیت رقابتی دارد، چه میزان سرمایه‌گذاری برای فعال‌سازی این ظرفیت‌ها نیاز است و شبکه بانکی و سایر نهادهای تامین مالی چه نقشی در پشتیبانی از آنها بر عهده دارند. همچنین باید میان سیاست‌های توسعه منطقه‌ای و برنامه‌های اعتباری بانک‌ها ارتباط موثری برقرار شود. به عنوان نمونه، در مناطقی که ظرفیت بالایی در کشاورزی دارند، تامین مالی زنجیره تولید، صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات می‌تواند از خام‌فروشی جلوگیری کند. در استان‌های معدنی، سرمایه‌گذاری در تکمیل زنجیره ارزش و ایجاد صنایع پایین‌دستی می‌تواند فرصت‌های شغلی پایدار ایجاد کند و در مناطق ساحلی نیز هدایت منابع به سمت اقتصاد دریا، شیلات، حمل‌ونقل و صنایع مرتبط، زمینه استفاده بهتر از ظرفیت‌های جغرافیایی را فراهم خواهد کرد. از سوی دیگر، نظارت بر نحوه مصرف تسهیلات نیز به اندازه توزیع آنها اهمیت دارد. دولت و بانک مرکزی باید با ایجاد سامانه‌های شفاف، مشخص کنند اعتبارات پرداخت‌شده در هر استان به چه فعالیت‌هایی اختصاص یافته و چه میزان اشتغال، تولید و ارزش افزوده ایجاد کرده است. در چنین الگویی، عملکرد بانک‌ها نه صرفا بر اساس میزان تسهیلات پرداختی، بلکه بر مبنای اثربخشی منابع و میزان مشارکت آنها در توسعه اقتصادی مناطق ارزیابی خواهد شد. در نهایت، عدالت در توزیع نقدینگی و اعتبارات را باید یکی از حلقه‌های اصلی اصلاح ساختار اقتصادی کشور دانست. ایران برای استفاده از ظرفیت‌های گسترده خود به منابع مالی جدید نیاز دارد، اما پیش از آن باید مسیر حرکت منابع موجود را اصلاح کند. تمرکز نقدینگی در چند نقطه محدود، در حالی که بسیاری از استان‌ها از ظرفیت‌های بالفعل نشده اقتصادی برخوردارند، به معنای استفاده ناکافی از سرمایه ملی است. توسعه متوازن زمانی محقق می‌شود که منابع مالی در خدمت ظرفیت‌های اقتصادی همه مناطق کشور قرار گیرد؛ نه اینکه فرصت سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال صرفا در جغرافیای محدودی متمرکز شود. هدایت دقیق نقدینگی، توزیع هدفمند اعتبارات و جلوگیری از انحراف منابع به فعالیت‌های غیرمولد می‌تواند علاوه بر تقویت تولید و مهار بخشی از فشارهای تورمی، زمینه‌ساز کاهش نابرابری منطقه‌ای و افزایش بهره‌وری سرمایه در سراسر کشور باشد. به بیان دیگر، مسئله اقتصاد ایران فقط کمبود منابع نیست؛ بخشی از مسئله به این بازمی‌گردد که منابع موجود کجا می‌روند، در اختیار چه فعالیت‌هایی قرار می‌گیرند و چه سهمی در ساختن آینده اقتصادی استان‌ها دارند.



مهاجرانی، سخنگوی دولت:
مطالبات واردکنندگان کالاهای اساسی به‌ترتیب اولویت تسویه می‌شود

دوشنبـه/ ۲۵ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۱

در انتقاد از اعلام موجودیت یک تشکل جدید در مجلس
برای رفع مشکلات مردم «جان‌فدا» شوید

پارلمان دیروز خبرساز بود. از نطق محمدباقر قالیباف و خط و نشان‌هایی که برای دشمن آمریکایی و صهیونی کشید تا بررسی اصلاح ساختار وزارت اطلاعات و اعلام موجودیت یک تشکل جدید در خانه ملت، اخبار مهم در هرم سبزبهارستان بودند.

روح‌الله لک علی‌آبادی در نطق میان دستور خود با بیان اینکه ملت بزرگ ایران در روزهای حساس و سرنوشت‌ساز نشان دادند که پای امنیت ایران ایستاده‌اند، گفت: پویش مردمی «جان فدا» و لبیک میلیونی مردم در همراهی با این حرکت، جلوه‌ای از همین باور و عزم ملی است. ما «مجمع نمایندگان جان فدا» عهد می بندیم که وفاداری به امام راحل و امام شهید را در عمل، تبعیت از رهبری را در مسئولیت‌پذیری، اتحاد مقدس را در همبستگی ملی، حمایت از مقاومت را در دفاع از استقلال و جان‌فدایی برای ملت و کشور را در خدمت صادقانه، شجاعت در مطالبه‌گری و ایستادگی در مقابله با فساد و بی‌عدالتی متجلی کنیم.

تشکیل مجمع نمایندگان جان فدا توسط ۲۲۰ نماینده مجلس در نگاه نخست، روحیه‌ای تازه به فضای پارلمان می بخشد اما تاریخ سیاست به ما آموخته است که نام‌ها و تابلوها به تنهایی نمی‌توانند چالش‌های یک ملت را حل کنند. مگر پیش از این، مجمعی تحت عنوان «مجمع نمایندگان ملت مبعوث» تشکیل نشد! حال مجمع جدید چه می خواهد بگوید که نمی‌توانند در همان مجمع نمایندگان ملت مبعوث آن را دنبال کنند! آنچه مسلم است، تشکیل مجمع و امضای پیمان با مردم، اگر با عملکرد همراه نشود، نتیجه‌ای نخواهد داشت. پس نمایندگان باید بدانند، مردم آنها را نه برای تشکیل تشکل‌های جدید، بلکه برای حل مشکلات موجود به پارلمان فرستاده‌اند. بنابراین، ماهیت این مجمع نباید درگیر بازی‌های قدرت یا ایجاد جبهه‌های سیاسی باشد، باید به دنبال آن باشند که «جان فدا» بودن را در مسیر درست وظایف خود یعنی همان نظارت و قانون‌گذاری، به معنای واقعی کلمه نشان دهند. اگر این مجمع یا هر تشکل جدیدی بتواند میان تعهدات مکتوب و کنشگری‌های پارلمانی پلی برقرار کند، موفق خواهد بود. در غیر این صورت، تنها به یک نام در تاریخ مجلس تبدیل خواهد شد.

انتشار تقریظ امام مجاهد شهید بر رمان «خاک‌سپاری دوم بانوی مرگ»



بیست و دومین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت با محوریت انتشار تقریظ حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (قدس‌الله نفسه الزکیه) بر رمان «خاک سپاری دوم بانوی مرگ» برگزار خواهد شد؛ اثری داستانی که گوشه ای از مجاهدت های ناگفته در رویارویی با ماشین ترور رژیم صهیونیستی را در بستر رمان به تصویر می‌کشد. «خاک سپاری دوم بانوی مرگ» به قلم نیما اکبرخانی و محصول انتشارات انقلاب اسلامی است و داستان آن در میدان نبردی پنهان و مستمر شکل می گیرد که سه نسل از جوانان ایران در آن نقش‌آفرین هستند؛ از جوانانی که در دفاع مقدس پرورش یافتند تا رزمندگانی که میدان فعالیت شان از غرب سوسنگرد تا شرق مدیترانه امتداد یافت. این رمان، فداکاری و ایستادگی مردانی را دستمایه داستان خود قرارداده است که مجاهدت های خاموش آنان با امنیت و اقتدار ایران پیوند خورده است. انتشار تقریظ بر این اثر، محور اصلی بیست و دومین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت خواهد بود که ۲۶ آبان ۱۴۰۵ در مجتمع فرهنگی سرچشمه برگزار می‌شود.

دستور عارف به استاندار ایلام
تمامی ظرفیت‌ها برای درمان مصدومان حادثه اتوبوس بسیج شود



محمدرضا عارف در تماس تلفنی با احمد کرمی، استاندار ایلام، ضمن ابراز تاسف و تاثر عمیق از حادثه واژگونی اتوبوس حامل کارکنان شرکت نفت NGL دهلران در محور دشت عباس به مورموری، بر ضرورت رسیدگی فوری و همه‌جانبه به وضعیت مصدومان تاکید کرد.

معاون اول رئیس جمهور با تسلیت به خانواده های جان باختگان و ابراز همدردی با بازماندگان این حادثه، دستور داد: تمامی ظرفیت‌های درمانی و امدادی استان ایلام برای ارائه خدمات فوری به مصدومان بسیج شود.

عارف همچنین تاکید کرد: در صورت نیاز، امکانات و ظرفیت‌های استان‌های همجوار نیز برای تسریع در روند امدادرسانی و درمان مصدومان به کار گرفته شود. اتوبوس حامل کارگران شرکت NGL دهلران شامگاه شنبه ۲۳ آبان در مسیر دشت عباس دهلران به مورموری آبدانان و در محدوده «سه گر»، حوالی چاه های نفت واژگون شد. عملیات امدادرسانی به حادثه‌دیدگان با گسیل ۱۲ گروه عملیاتی، ۳۲ نیروی امدادگر و ۵۰ دستگاه آمبولانس و خودروی نجات از استان‌های ایلام و خوزستان انجام شد. در پی جان باختن ۱۲ تن از کارگران این مجموعه، نماینده ولی فقیه در استان و استاندار ایلام در پیامی مشترک یک روز عزای عمومی در سراسر استان ایلام و دو روز در شهرستان آبدانان اعلام کردند. طرح پالایشگاه گاز و گاز مایع ۳۱۰۰ (NGL) دهلران از طرح‌های مهم حوزه انرژی در جنوب استان ایلام به شمار می‌رود که روزانه شمار فراوانی از نیروهای بومی و فنی در بخش‌های گوناگون آن مشغول به کار هستند. رفت و آمد کارکنان این مجموعه صنعتی به دلیل شرایط کوهستانی و پیچ های تند راه های جنوب ایلام، همواره نیازمند توجه ویژه رانندگان به اصول ایمنی است.

گزارش «آگاه» درباره موافقت مجلس با یک فوریت طرح اصلاح قانون تاسیس وزارت اطلاعات را بخوانید
مقتدر و سریع در برابر تهدیدات نوین



نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی دیروز، یک‌شنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۵ با یک فوریت طرح اصلاح قانون تاسیس وزارت اطلاعات مصوب سوم شهریور ۱۳۶۳ با ۱۹۲ رای موافق، ۴۹ رای مخالف و چهار رای ممتنع از ۲۴۷ نماینده حاضر، موافقت کردند. پیش از این بنا بود که دو فوریت این طرح مطرح شود ولی ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی پیشنهاد داد که برای اخذ نظرات کارشناسی یک فوریت این طرح به رای گذاشته شود. این طرح که مجلسی ها با یک فوریت آن موافقت کردند، به کمیسیون ارجاع و کارکارشناسی روی آن انجام می شود و پس از ۱۰ روز و اخذ پیشنهادات، در مجلس مطرح خواهد شد و در صحن علنی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس نظر مجلس اعلام خواهد شد.

مدافعان طرح مذکور در بهارستان می‌گویند: «با توجه به اینکه مدت‌هاست وزارت اطلاعات با سرپرست اداره می‌شود و مجموعه وزارتخانه نیز اقدامات و تلاش‌های فشرده‌ای را انجام می‌دهد و انصافا کارهای خوبی در آنجا در حال انجام است، لازم است هرچه زودتر وضعیت این وزارتخانه تعیین تکلیف شود. به همین دلیل، مجلس با یک فوریت این موضوع موافقت کرد.»

مجلس به آن دلیل به یک فوریت طرح اصلاح قانون تاسیس دستگاه اطلاعاتی کشور مهر تایید زد تا وزارت اطلاعات با تجهیز به تخصص روز، در برابر تهدیدات نوین، مقتدرتر عمل کند. ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به عنوان کمیسیون تخصصی در دفاع از این طرح گفت: باید تلاش کنیم ساختارهای اطلاعاتی ما تخصصی شود. یکی از موضوعات مهمی که باعث شد این طرح را دنبال کنیم این است که وزارت اطلاعات یک سازمان تخصصی شود. وی با اشاره به ظرفیت‌های کارشناسی موجود در وزارت اطلاعات تاکید کرد: نیروهای متخصص و متعهد فراوانی در این وزارتخانه حضور دارند که می‌توانند سطح توانمندی وزارت اطلاعات را از بسیاری از ساختارها و سازمان‌های اطلاعاتی منطقه بالاتر ببرند، اما قانون فعلی با تعیین ویژگی‌های مشخص برای تصدی این مسئولیت، زمینه استفاده از ظرفیت نیروهای متخصص این مجموعه را محدود کرده است. نماینده مردم شیراز در مجلس با بیان اینکه اصلاح قانون انتخاب وزیر اطلاعات صرفا خواسته طراحان طرح نیست، تمام سطوح نظام اسلامی بر این تغییر اصرار و تاکید دارند، اظهار کرد: این موضوع صرفا طرح بنده و تعدادی از همکارانم نیست، بلکه خواست و اراده نظام اسلامی است که باید آن را به عنوان یک نیاز امروز کشور بپذیریم. اگر این موضوع مورد توجه و تاکید نظام اسلامی نبود، قطعا کمیسیون نیز می‌توانست نظرات دیگری داشته باشد. وقتی رئیس کمیسیون امنیت ملی از نیاز به ساختارهای تخصصی سخن می‌گوید، در حال تعریف «دفاع فعال» در برابر دشمنانی است که از هوش مصنوعی و ابزارهای پیشرفته اطلاعاتی استفاده می‌کنند.

محمدباقر قالیباف، رئیس نهاد قانون‌گذاری نیز اطمینان را به همکارانش در پارلمان داد که طرح مورد اشاره دقیق بررسی می‌شود. وی طی سخنانی در صحن علنی با تاکید بر اینکه «بنده و دوستان‌مان در کمیسیون و هیات رئیسه مجلس آماده‌ایم نظرات را به طور دقیق بشنویم تا اصلاح ساختاری مورد نظر با دقت و توجه کافی دنبال شود» گفت: برای ارائه این طرح، هماهنگی‌هایی با دولت انجام شده و با رئیس جمهور نیز به صورت مفصل گفت‌وگو کرده‌ایم. همچنین جلسه مفصلی با معاونت پارلمانی دولت داشته‌ایم.

به هر حال، تحول ساختاری در بدنه وزارت اطلاعات، تصمیم کلان برای بهینه‌سازی موتور امنیتی کشور تحلیل می‌شود تا در صورت تایید نهایی، دستگاه اطلاعاتی کشور با تجهیز به تخصص روز، در برابر تهدیدات نوین، مقتدرتر و سریع‌تر عمل کند. ضمن آنکه این اقدام پس از شهادت حجت‌الاسلام سیداسماعیل خطیب در جنگ ۴۰ روزه کلید خورده است؛ شهادت وزیر شهید اطلاعات، هرگز منجر به ایجاد خلأ نشد، بلکه به عنوان شتاب‌دهنده عمل کرد تا ضرورت ارتقای ساختاری وزارتخانه با فوریت بیشتری بررسی شود. بنابراین شهادت خطیب، عزم حاکمیت را جزم کرد تا به جای تکرار مدل‌های قدیمی، از این نقطه عطف برای به‌روزرسانی جامع ساختار امنیتی و اطلاعاتی استفاده کند. این اقدام نشان داد که اراده نظام بر این است، وزارت اطلاعات را به نهادی تبدیل کند که قدرت آن در گرو ساختار تخصصی باشد. نکته دیگر آنکه موافقت روز گذشته مجلس با طرح اصلاح ساختار وزارت اطلاعات پیام‌هایی به داخل و خارج مخابره کرد.

اصلاح قانون تاسیس وزارت اطلاعات و اجماع قوای سه‌گانه

حسن قشقاوی
سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

افرادی که با ساختار نظام جمهوری اسلامی آشنا هستند و از هر جناح و جریانی به دنبال بهانه‌گیری نیستند، باید بپذیرند که تصمیمات این چنینی (طرح اصلاح قانون تاسیس وزارت اطلاعات) در سطح کلان نظام اتخاذ می‌شود. اگر برخی افراد تا پیش از این درباره ضرورت این اصلاحات تردید داشتند، با رای قاطع مجلس باید بپذیرند که چنین تصمیماتی صرفا بر اساس نظر یک جناح، دولت یا مجلس شکل نمی‌گیرد. اصلاح قانون تاسیس وزارت اطلاعات تصمیمی جناحی یا صرفا متعلق به دولت و مجلس نیست، این موضوع با اجماع قوای سه‌گانه و مسئولان نظام دنبال می‌شود و مجلس نیز در نهایت تصمیم نهایی را اتخاذ خواهد کرد.

هنوز کار این طرح به پایان نرسیده و در حال حاضر نمی‌توان گفت شرط اجتهاد وزیر اطلاعات حذف شده یا نشده است. اتفاقی که دیروز رخ داد، تبدیل درخواست بررسی دوفوریتی طرح به یک فوریتی بود و اتفاق خوبی محسوب می‌شود، چراکه این فرصت را فراهم می‌کند تا دستگاه‌های مربوطه، به‌ویژه وزارت اطلاعات و دولت، نظرات خود را در این زمینه مطرح کنند و نمایندگان مجلس نیز پیشنهادهای خود را در کمیسیون ارائه دهند. در بررسی این موضوع عجله‌ای وجود ندارد و هر تصمیمی که گرفته شود، تصمیم کلیت نظام خواهد بود؛ نه تصمیم یک جناح، دولت یا مجلس به‌تنهایی.

تاکید می‌شود، تصمیم‌گیری درباره این طرح با هماهنگی و اجماع مسئولان نظام انجام خواهد شد، چه ضرورت شرایط جنگی و چه ضرورت تعیین مصداق و شرایط وزیر اطلاعات را مبنای این اصلاحات بدانیم، در نهایت این موضوع در سطح کلان نظام مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار گرفته است. فلذا رای نمایندگان نشان‌دهنده همین رویکرد است و اطمینان دارم مجلس در مرحله نهایی نیز رای اصلی خود را خواهد داد تا زمینه معرفی وزیر اطلاعات فراهم شود. نکته حائز اهمیت این است، در شرایط فعلی، هیچ اختلافی میان دولت و مجلس درباره اختیارات وزارت اطلاعات وجود ندارد و در ادامه نیز درباره وزیر اطلاعات اختلافی نخواهد بود. این موضوع با هماهنگی و اجماع قوای سه‌گانه و مسئولان نظام شکل خواهد گرفت.

هر چه نباشد، در میدان نبرد اطلاعاتی امروز، تخصص امنیتی، زبان برتر است. به همین جهت هدف اصلی آن است، برای مدیریت جنگ‌های نسل پنجم، سایبری و نفوذهای پیشرفته، انتصاب و به کارگیری نیروهای متخصص مورد توجه قرار گیرد تا سرعت واکنش و دقت عملیاتی به حداکثر برسد. بالاخره هدف اصلی این است که دستگاه اطلاعاتی، بتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، تهدیدات را شناسایی و خثی کند.

اینکه وزارت اطلاعات در این مدت با سرپرست اداره شده و نتایج خوبی به دست آورده ثابت کرد، پتانسیل‌های این وزارتخانه بسیار فراتر از قانون سال ۱۳۶۳ است. اکنون، با اصلاح بندهایی از این قانون، راه برای استقرار مدیری متخصص هموار می‌شود و این تحول، پیام صریح به دشمن دارد؛ «ما نه تنها در برابر ضربات، تزلزل ناپذیریم، بلکه از هر بحرانی برای قدرتمندتر کردن ساختارهای‌مان استفاده می‌کنیم.» البته هنوز هیچ چیز قطعی نشده و تازه مجلس گام نخست را برداشته است اما مدافعان طرح که برخی از آنها در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس عضویت دارند بر این باور هستند، اگر واقعا گزینه‌ای داشته باشیم که تخصص و تجربه داشته باشد، سالیان طولانی در وزارت اطلاعات کار کارشناسی انجام داده باشد و در حوزه‌های امنیتی، به‌ویژه در وزارت اطلاعات، فعالیت تخصصی کرده باشد، طبیعتا اگر اجتهاد هم داشته باشد، خیلی بهتر است. اما اگر بخواهیم فردی را از بیرون مجموعه بیاوریم که هیچ‌گونه شناخت، اشراف، اطلاعات و تجربه‌ای ندارد، صرفا به دلیل داشتن این شرط، طبیعتا نمی‌تواند برای دستگاه اطلاعاتی و امنیتی مفید واقع شود. باید دید ظرف روزهای آینده ـ حداقل در دو، سه هفته آینده ـ چه اخباری از راهروهای مجلس به بیرون درز پیدا می‌کند و تکلیف این طرح به کجا خواهید انجامید.

«آگاه» در گزارشی به بررسی لزوم توجه به نقشه راهی که پیش روی کارگزاران نظام است، پرداخت
تنقیح سیاست‌های کلی



براساس بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، از وظایف و اختیارات رهبری است. در همین راستا، حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، رهبر شهید در شهریور ۱۴۰۱، سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله هفتم را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و با اولویت پیشرفت اقتصادی توام با عدالت تعیین شده است، به سران سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ابلاغ کردند.

قبل از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، خلأ نبود چارچوب‌ها و سیاست‌های کلی در نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به نقش ولی فقیه در هدایت و اداره جامعه وجود داشت. به همین جهت، این موضوع در بازنگری قانون اساسی مطرح شد و در اصل ۱۱۰ قانون اساسی قرار گرفت. طبق بند یک این ماده تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، از وظایف و اختیارات رهبری تعیین شد و طبق بند دوم این ماده، نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها نیز از وظایف رهبری محسوب می‌شود.

از سوی دیگر با توجه به اینکه قانون‌گذاری دو بعد شکلی و ماهوی دارد، ماهیت قوانین را سیاست گذار تعیین می‌کند و شکل قوانین و نحوه اجرای قانون را قانون‌گذار و حقوقدان تعیین می‌کند؛ بنابراین لازم است سیاست‌های کلی، ماهیت و جهت‌گیری قوانین و نیازهایی که برای هدایت جامعه وجود دارد را رهبری نظام تعیین کند. از این نظر سیاست‌های کلی ابلاغ شده، جهت‌گیری‌ها، ماهیت قوانین و سند بالادستی قوانین است.

جایگاه سیاست‌های کلی نظام بعد از قانون اساسی و بالاتر از قوانین عادی کشور است. سیاست‌های کلی نظام نمی‌تواند مغایر قانون اساسی باشد و قوانین عادی نیز نمی‌توانند با سیاست‌های کلی نظام مغایر باشند. سیاست‌های کلی نظام به منظور ایجاد ثبات و انتظام امور به‌منظور حرکت به‌سوی اهداف مشخص در سطح کلان تدوین می‌شود. این سیاست‌ها به دنبال برداشتن گام‌هایی هماهنگ از سوی قوای حکومتی در این جهت است و از این حیث، نهادی بدیع در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی، مطابق قانون و ابلاغ آقای شهید ایران، از وظایف هیات عالی نظارت است و مطالبه اجرای این سیاست‌ها از دستگاه‌های مسئول نیز وظیفه قانونی مجمع تشخیص مصلحت نظام به شمار می‌رود. در همین رابطه سومین جلسه شورای تنقیح سیاست‌های کلی نظام، صبح یک شنبه ۲۴ آبان، به ریاست عباسعلی کدخدایی برگزار شد.

کدخدایی، سرپرست دبیرخانه مجمع در این نشست با تاکید بر ضرورت اتخاذ رویکردی جامع در فرآیند تنقیح سیاست‌های کلی، گفت: با نگاه جزئی نمی‌توان سیاست‌های کلی را تنقیح کرد؛ بلکه باید با نگاهی جامع، اهداف، روش‌ها و حتی عبارات سیاست‌ها را در کنار یکدیگر مورد توجه قرار داد. وی با اشاره به تاکید رهبر شهید انقلاب بر تنقیح سیاست‌های کلی خاطرنشان کرد: بر اساس ابلاغ ایشان، هم سیاست‌های کلی گذشته باید تنقیح و در صورت لزوم بازنگری شوند و هم سیاست‌هایی که در آینده ابلاغ می‌شوند، باید از ابتدا منقح، مستحکم، صریح و شفاف باشند. پیشنهادهای اصلاحی و تنقیحی باید با دقت و به صورت مستند آماده و ارائه شوند تا فرآیند تنقیح سیاست‌های کلی به صورت مرحله به مرحله و با برنامه مشخص و زمانبندی شده پیش برود. همان‌طور که سرپرست دبیرخانه مجمع تاکید کرد، ما نمی‌توانیم با نگاهی جزئی و قطعه‌قطعه به سیاست‌های کلی نگاه کنیم چراکه سیاست‌های کلی، بافت اصلی تصمیم‌گیری‌های کلان هستند.

بنابراین تنقیح این سیاست‌ها یعنی بازنگری در اهداف و روش‌ها تا مشخص شود که نقشه راه موجود، با ضرورت‌های امروز همسو هست یا نه؟ چراکه سیاست‌های کلی، مبنای تمام برنامه‌ریزی‌های کلان هستند؛ اگر این مبانی دچار ابهام باشند، تلاش‌های دولت و مجلس در قالب قوانین و برنامه‌ها، به جای ایجاد تحول، تنها به اتلاف زمان و منابع منجر می‌شود. از این رو، نشست اخیر در مجمع گامی برای ایجاد بنیان مستحکم برای هدایت دقیق سیاست‌گذاران برای اجرای سیاست‌های کلی ارزیابی می‌شود.

نکته بسیار تامل برانگیز اینجاست که رهبر شهید انقلاب با نگاهی فراتر از زمان، صریحا تاکید کردند که سیاست‌های کلی نظام، محصول بررسی‌های کارشناسی، فکر و تامل‌های بسیار عمیق هستند و قانون‌گذاری‌ها باید دقیقا بر اساس این سیاست‌ها پیش بروند. در واقع، این سیاست‌ها، خط قرمز قانونی برای تمام دستگاه‌ها محسوب می‌شود.

هادی طحان نظیف، سخنگوی شورای نگهبان هشتم مهر در نخستین روز از «مدرسه نظام قانون‌گذاری و حکمرانی تقنینی» به مناسبت سالروز ابلاغ سیاست‌های کلی قانون‌گذاری از سوی رهبر شهید، با یادآوری پیگیری‌های مستقیم رهبر شهید در زمان حیاتشان تصریح کرد که ایشان بارها در سخنان خود پیگیر بودند که چرا سیاست‌های کلی تقنین و انتخابات پس از گذشت چند سال از ابلاغ، هنوز به قانون تبدیل نشده‌اند. رهبر شهید صریحا تاکید داشتند که روی این سیاست‌ها کارشناسی، فکر و بررسی فراوان صورت گرفته است و باید بر اساس آنها قانون‌گذاری انجام شود، اما متاسفانه هنوز به نتیجه نرسیده است. اما اگر صحنه را نظاره‌گر باشیم، پی خواهیم برد، با وجود تاکیدات قائد شهید و وجود این نقشه راه، هنوز شاهد هستیم برخی از تصمیمات، یا از این سیاست‌ها فاصله دارند یا در مسیر اجرای آنها، مانع تراشی رخ می‌دهد. در حالی که مسعود پزشکیان هم در ایام انتخابات و هم پس از پیروزی و شکل‌گیری دولت چهاردهم در تمامی احکام صادره بر اجرای سیاست‌های کلی تاکید می‌کرد. او به درستی می‌گفت «ما وقتی برنامه هفتم و سیاست‌های کلی را در اختیار داریم چرا باید شعار یا برنامه دیگری را مطرح کنیم.» اما با وجود تمامی این سخنان هنوز حرکت به کندی پیش می‌رود. در این فضا، باید مسئولیت‌پذیری دوگانه مورد توجه قرار گیرد.

مجلس و دولت نباید صرفا به دنبال تصویب یا اجرای قوانین پراکنده باشند، باید در اولویت خود، انطباق هر تصمیم و قانون را با سیاست‌های کلی مد نظر قرار دهند. هر قانونی که با این سیاست‌ها در تضاد باشد، برثبات نظام تصمیم‌گیری آسیب می‌زند. همچنین ارائه راهکارهای اجرایی برای تحقق این سیاست‌ها، تکلیف حاکمیتی است. دستگاه‌های اجرایی نباید صرفا به دنبال اجرای وظایف روتین خود باشند، باید به عنوان بازوی اجرایی سیاست‌های کلی، برنامه‌ریزی کنند تا آنچه در نقشه‌ها نوشته شده، در زندگی روزمره مردم، ملموس و عملی شود.

فرجام سخن اینکه اگر می‌خواهیم از وضعیت تصمیم‌گیری‌های پراکنده عبور کنیم و به سمت حکمرانی منسجم حرکت کنیم، باید این فرآیند را با دقت، مستندسازی و برنامه مشخصی پیش ببریم. زمان آن رسیده است که نقشه راه از روی کاغذ برداشته شود و به فعل قدرت در تمام بدنه دولت و مجلس تبدیل شود.



سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه:

باید از ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی ایران برای تقویت تاب‌آوری اقتصادی بهره گرفت

مقامات دولت آمریکا به پناهگاه‌های نظامی منتقل شده‌اند

تروریست‌ها در سوراخ موش

اخبار منابع آمریکایی حاکی از آن است که مقامات دولت تروریستی ترامپ در آمریکا، راهی پناهگاه‌های نظامی شده‌اند؛ از اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری تا هگست و روبیو، وزرای جنگ و خارجه، خانه و کاشانه خود را رها کرده‌اند و به سوراخ موش خزیده‌اند. ترامپ، رئیس دولت تروریستی آمریکا نیز برنامه‌های روزانه خود را از ترس انتقام ایران ملغی کرده است.



به گزارش «آگاه» منابع آمریکایی از فروپاشی روانی در بدنه دولت ترامپ خبر می‌دهند؛ دولت تروریستی واشنگتن اکنون در حال عزیمت به سوراخ‌های تاریک زیرزمینی است. از اسکات بسنت در وزارت خزانه‌داری گرفته تا هگست و روبیو، وزرای جنگ و خارجه، خانه‌های خود را رها کرده و به پناهگاه‌های نظامی پناه برده‌اند. این فرار از حیات عادی، نشان از آن دارد که سایه انتقام ایران، آرامش آنها را ربوده است. حتی ترامپ نیز در مواجهه با پیام‌های قدرتمند جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های خود را ملغی کرده است. این همان وعده قرآن است که می‌فرماید: «سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ»؛ یعنی ترس و واهمه، گریزناپذیرترین سرنوشت ظالمان در برابر حق است. آنها که امروز به دنبال پناهگاه هستند، در حقیقت در زندان ترس خود محبوس شده‌اند.

ترامپ برنامه‌های روزانه خود را لغو کرد

رسانه اسرائیل‌هیوم، در گزارشی مدعی شده است ایران در حال برنامه‌ریزی برای یک حمله با استفاده از پهپاد است که هدف آن چندین مقام ارشد دولت ترامپ، از جمله خود ترامپ است. این اطلاعات توسط سازمان‌های اطلاعاتی موساد و سیا تایید شده است. بر همین اساس، چندین مقام ارشد آمریکایی به مکان‌های امن منتقل شده‌اند و ترامپ برنامه‌های حضور خود در محافل عمومی را لغو کرده است. ترامپ روز گذشته هم به صورت بسیار غیرعادی، برنامه هفتگی خود برای بازی گلف را لغو کرد.

تمهیدات امنیتی بی‌سابقه در آمریکا

آرش اعلایی، خبرنگار سابق تلویزیون ضد ایرانی اینترنشنال، اخیرا در ویدئویی گفته که آمریکا در وضعیت جنگی است؛ در شهرها سیستم دفاع ضدموشکی مستقر کرده‌اند. چند روز پیش پهپادهای ناشناس بالای سر خانه سابق پیت هگست، وزیر جنگ و اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری پرسه می‌زدند. تعداد زیادی از اعضای کابینه ترامپ را به پادگان‌های نظامی برده‌اند که از زمان جنگ جهانی دوم بی‌سابقه است؛ الان همه داخل پایگاه‌های نظامی هستند و اینها به خاطر تهدیدات جمهوری اسلامی ایران است. شبکه فاکس نیوز نیز به اقامت مقامات ارشد دولت ترامپ در پایگاه‌های نظامی و مکان‌های محافظت شده اشاره کرده است. فاکس نیوز گزارش داد که تاد بلانش، دادستان کل موقت آمریکا طی چند ماه گذشته در یک تاسیسات نظامی در منطقه واشنگتن دی‌سی اقامت داشته است. سه منبع آگاه تاکید کردند که وی به جمع مقامات ارشد دولت ترامپ پیوسته است که در اقامتگاه‌های نظامی زندگی می‌کنند. بر اساس این گزارش، از دیگر مقامات ارشد آمریکا ساکن تاسیسات نظامی این کشور می‌توان به اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری اشاره کرد که اخیرا در پی ادعاهای مطرح شده مرتبط با ایران به یک پایگاه نظامی منتقل شده است. در این گزارش همچنین به تهدیدات گزارش شده مرتبط با کارتل‌های مواد مخدر هم اشاره شده است. فاکس نیوز در ادامه به نقل از گزارش ماه مارس نیویورک تایمز نوشت پام باندی، وزیر دادگستری پیشین آمریکا نیز پس از آنکه نهادهای مجری قانون درباره تهدیدات مرتبط با کارتل‌های مواد مخدر هشدار دادند، بی‌سروصدا از آپارتمان خود در واشنگتن به یک اقامتگاه نظامی منتقل شده بود. نیویورک تایمز همچنین به تهدیداتی مرتبط با واکنش‌ها به نحوه رسیدگی باندی به پرونده‌های جفری اپستین اشاره کرده بود.

براساس این گزارش، مارکو روبیو، وزیر خارجه و پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا نیز در پایگاه فورت مک‌نیر در واشنگتن دی‌سی اقامت دارند. استفان میلر، رئیس دفتر کاخ سفید و شمار دیگری از مقامات دولت آمریکا نیز به تاسیسات نظامی یا اقامتگاه‌های حفاظت شده دولتی منتقل شده‌اند.

توطئه‌های موساد

اما با توجه به اینکه رومن گافمن، رئیس موساد در آمریکا به سر می‌برد و مشغول متقاعد کردن دولت ترامپ برای شروع تجاوز مجدد به ایران است، به احتمال بسیار زیاد، این دست از خبرسازی‌ها، توطئه موساد و یک نوع عملیات پرچم دروغین است. در واقع صهیونیست‌ها می‌خواهند با بزرگنمایی نزدیک بودن وعده انتقام ایران، ترامپ را متقاعد و تحریک کنند که مجددا به ایران حمله کند. اما چه این گزاره، درست باشد و چه نباشد، موضوع مهم اکنون ترسی است که بر جان آمریکایی‌های قاتل و جنایتکار افتاده است. ترس از انتقام حتمی ایران و این فی نفسه، امری مبارک است.

یوسی یهوشوا، نظامی تحلیلگر صهیونیست در برنامه شبکه اسرائیل ۲۴ گفت که رومن گوفمن، رئیس موساد خواستار حمله فوری به ایران است. رئیس موساد به واشنگتن سفر کرد تا از انجام یک حمله مشترک اسرائیلی-آمریکایی علیه ایران دفاع کند. من استفاده از عنوان فرستاده نخست‌وزیر را نمی‌پسندم؛ او در مقام ریاست موساد و با دردست داشتن اطلاعات به‌روز، به آنجا رفت.

طبق اعلام این نظامی تحلیلگر صهیونیست، در طرف آمریکایی قصد و طرحی برای حمله به ایران وجود داشت. با این حال، تشکیلات نظامی معتقد بود که چنین اقدامی نباید پیش از انتخابات صورت گیرد. در مقابل، رومن گوفمن که از طرح ترامپ حمایت می‌کرد استدلال داشت که این فرصتی منحصربه‌فرد و زودگذر برای یک حمله مشترک است و باید آن را غنیمت شمرد و دست به حمله زد. در نهایت، ترامپ تصمیم گرفت که این کار را انجام ندهد. اکنون که انتخابات پشت سرگذاشته شده است، نهاد نظامی آمریکا همچنان با حمله مخالف است هرچند نه به طور مطلق. مخالفت آنها مشخصا مربوط به انجام چنین اقدامی در دوران دولت انتقالی در اراضی اشغالی است؛ آنها ترجیح می‌دهند صبر کنند تا دولت جدیدی که از حمایت و رأی شهرک‌نشینان اشغالگر برخوردار است، بر سر کار بیاید.

مظلوم‌نمایی آمریکایی‌ها

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در واکنش به تکرار اتهام بی‌اساس تروریسم علیه ایران، همزمان با انتشار خبر مخفی شدن اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در پیامی نوشت: آمریکا در تجاوز مشترک با رژیم صهیونیستی علیه ایران، نه تنها مرتکب جنایات جنگی شنیع شد بلکه با ترور بزدلانه مقامات و دانشمندان ایرانی مرتکب تروریسم دولتی در سطحی بی‌سابقه شد. حالا همین آمریکا کارزار رسانه‌ای گسترده‌ای با عنوان جعلی تروریسم ایرانی به راه انداخته تا خود را قربانی جلوه دهد! روزنامه نیویورک تایمز بامداد چهارشنبه گزارش داد که اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا به دلیل نگرانی‌ها از تهدید ایران علیه جان او، از محل زندگی‌اش به یک پایگاه نظامی منتقل شده است. سخنگوی دستگاه دیپلماسی در همین رابطه در شبکه ایکس نوشت: آمریکا در این توهم است که با این مظلوم‌نمایی، جهانیان سابقه طولانی تجاوز و تروریسم آن را از یاد می‌برند و ادعاهای بی‌اساس آن درباره یک توطئه تروریستی خیالی را باور می‌کنند! اما جنجال سازی رسانه‌ای نمی‌تواند تاریخ را بازنویسی کرده یا جنایتکاران را تبرئه کند یا هویت عاملان و آمران تجاوز نظامی، تروریسم و جنایات جنگی را پنهان کند.

پدافند آمریکا در پایگاه الرفاع بحرین توسط سپاه منهدم شد

۶ پهپاد، یک پیام

رادار سایت پدافندی آمریکا در پایگاه بالگردی الرفاع بحرین با ۶ فروند پهپاد مورد هدف قرار گرفت. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روز یک‌شنبه اعلام کرد: ملت شریف و همیشه در صحنه ایران؛ در دومین مرحله از پاسخ قاطع و کوبنده به تجاوز آشکار ارتش ایالات متحده، رادار سایت پدافندی آمریکا در پایگاه بالگردی الرفاع بحرین با ۶ فروند پهپاد نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هدف قرار گرفت.

اصابت دقیق و موفق این پهپادها در مناطق مختلف بحرین شنیده شد و بار دیگر توانمندی عملیاتی سپاه را به رخ کشید. ایالات متحده که در برنامه به‌ظاهر اسکورت و درواقع قاچاق نفت در تنگه هرمز با شکست کامل روبه‌رو شده، اکنون می‌کوشد با اقدامات کوچک و کور، توجه جهانی را از واقعیت بسته بودن این شاهراه حیاتی منحرف سازد. اما افسران نخبه و جوان سپاه بار دیگر با صدای رسا اعلام می‌کنند: تنگه هرمز بسته است و هرگونه تجاوز دشمن آمریکایی با پاسخی سخت‌تر و کوبنده‌تر روبه‌رو خواهد شد. پهپادهای گران‌قیمت آمریکایی یکی پس از دیگری سرنگون می‌شوند و شمار بیشتری از پهپادهای سپاه در این مرحله نسبت به مرحله پیشین به‌سوی اهداف آمریکایی روانه شدند تا دشمن بداند که هرتجاوزی، پاسخی سخت و محاسبه‌شده در پی دارد.

آمریکا دیگر نمی‌تواند انکار کند

تصاویری از حمله پهپادی سپاه به رادار سایت پدافندی آمریکا در پایگاه الرفاع بحرین، روز گذشته در خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت تا تروریست‌های آمریکایی نتوانند به سیاق معمول، اقدام به تکذیب این حملات کوبنده کنند. صبح روز جمعه گذشته نیز رادار هشدار اولیه ارتش متجاوز آمریکا در جزیره بحرین توسط نیروی هوافضای سپاه هدف قرار گرفت و منهدم شد. این حمله قاطع، پاسخ به تجاوز هوایی دشمن آمریکایی به یک دکل مخابراتی در سیریک بود. در نتیجه این حمله، چشم شیطان آمریکایی در بحرین کور شد. رادار هشدار اولیه ارتش تروریستی آمریکا در بحرین، وظیفه تشخیص پرتاب و مسیر موشک یا هواگرد در فاصله دور، پیش از ورود به حریم ناوگان پنجم نیروی دریایی ارتش تروریستی آمریکا را برعهده داشت. با منهدم شدن این رادار، شبکه پدافندی تروریست‌های آمریکایی در بحرین کور می‌شود و سامانه‌های رهگیر بدون هدف‌گیری دقیق می‌مانند. چندی پیش نیز جزیره عمانی دیدامار در بخش جنوبی تنگه هرمز هدف حمله ایران قرار گرفت. در این جزیره، زیرساخت‌های راداری و ارتباطات رادیویی ارتش تروریستی آمریکا مستقر بود و آمریکایی‌ها به‌واسطه این تجهیزات، مشغول قاچاق نفت از کریدور جنوبی تنگه هرمز بودند. به گفته سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در حمله به دیدامار سامانه‌هایی که برای تسهیل عبور کشتی‌های متخلف از تنگه هرمز مورد استفاده قرار می‌گرفتند، منهدم شدند.

ترامپ در وضعیت استیصال

اما اقتدار نظامی ایران که جلوه‌های آنها طی روزهای اخیر نمایان بوده، سبب شده ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در وضعیت استیصال گیر کند و نداند که چگونه به رویارویی نظامی با ایران پایان دهد. در همین رابطه، رویترز در گزارشی نوشت دونالد ترامپ در روزهای اخیر به مشاوران ارشد خود گفته است اگر آمریکا با تحریک تازه‌ای از سوی تهران یا یمن روبه‌رو نشود، ممکن است از حمله به ایران صرف‌نظر کند.

به نوشته این خبرگزاری، ترامپ میان تهدید به تشدید جنگ با حملات تازه و کاهش تنش در نوسان بوده و مقام‌های کنونی و پیشین می‌گویند او هنوز درباره نحوه پایان دادن به این درگیری نامحبوب که در فوریه با اسرائیل آغاز کرد، تصمیم قطعی نگرفته است. بر پایه این گزارش، او در نشست‌های امنیت ملی و پس از مجموعه‌ای از گزارش‌های اطلاعاتی از احتمال تعویق حملات سخن گفته و با متحدان منطقه‌ای که از او خواسته‌اند به جنگ تمام‌عیار بازنگردد، ابراز همدلی کرده است. رویترز می‌افزاید: محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان و رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، در تماس‌های دو هفته گذشته او را از آغاز دوباره حملات برحذر داشته‌اند. به نوشته رویترز، آمریکا یک ناو هواپیمابر سوم را به منطقه می‌فرستد و در صورت نیاز هر سه ناو می‌توانند بمانند؛ همزمان مقام‌های اسرائیلی برای کارزار نظامی تازه فشار می‌آورند. بر پایه این گزارش، ارزیابی‌های اطلاعاتی آمریکا نشان می‌دهد محاصره دریایی و تحریم‌ها اقتصاد ایران را تحت فشار گذاشته، اما حملات تازه مطالبات تهران در مذاکرات را به‌طور معنادار تغییر نمی‌دهد. رویترز همچنین به نظرسنجی خود با ایپسوس اشاره می‌کند که ۵۵ درصد آمریکایی‌ها جنگ را ارزش هزینه‌اش نمی‌دانستند و جی‌دی ونس نیز آن را دلیل از دست رفتن کنگره توسط جمهوری‌خواهان خواند.



تحسین ایران توسط نخبگان نظامی جهان

از سوی دیگر، اقتدار نظامی ایران که ماشین جنگی آمریکا را پنچر کرده است، سبب تحسین کارشناسان و منابع نظامی در سراسر دنیا شده است. شان بل، تحلیلگر ارشد اسکای‌نیوز و افسر سابق نیروی هوایی انگلیس معتقد است: ایران با استقرار موشک‌های ضدکشتی، پهپادها، قایق‌های تندرو و مین‌های دریایی در اطراف تنگه هرمز، توانایی توقف کشتیرانی بین‌المللی را حفظ کرده است. حکومت ایران پابرجاست و سپاه پاسداران فعالانه توان مقابله و حمله متقابل دارد. ایران امروز در مقایسه با آغاز جنگ از موضع قوی‌تری در مذاکرات برخوردار است و این دقیقا همان چیزی است که ترامپ از آن خوشش نمی‌آید؛ او نمی‌خواهد پای میز مذاکره بنشیند چون می‌داند در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارد.

لری جانسون، افسر سابق سیا نیز می‌گوید که توان موشکی ایران، محاسبات امنیتی آمریکا و اروپا را برهم زده است. پایگاه‌های غربی در صورت مشارکت در حمله به ایران، دیگر از تیررس موشک‌های ایرانی در امان نخواهند بود. اروپا باید این تهدید را بسیار جدی بگیرد! برد موشک‌های ایران به چهارهزار کیلومتر می‌رسد و این تهدید جدی برای غرب است. بلینکن، وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده، درباره ایران می‌گوید: ایران در واقع در موقعیتی قوی‌تر از زمانی که این تحولات آغاز شد، در منطقه قرار گرفته است. ایران چهار برابر بزرگ‌تر از ایالت کالیفرنیا است. این کشور سه برابر بزرگ‌تر از عراق است. جمعیت آن ۹۰ میلیون نفر است. آن خط ساحلی در امتداد تنگه هرمز بسیار طولانی است. سلاح‌هایی که این کشور به تولید آنها ادامه می‌دهد، از نظر فناوری بسیار پیشرفته هستند و برد آنها به قدری زیاد است که نمی‌توان همه آنها را به طور کامل از بین برد. احتمالا برای انجام این کار، باید به یک حمله زمینی متوسل شد که این خود یک فاجعه مطلق خواهد بود.

بلینکن، تصریح دارد که تنگه هرمز که پیش از شروع درگیری اصلا مسئله نبود، حالا به بحرانی تبدیل شده که باید فکری به حالش کرد و راه‌حل آن تقریبا به طور قطع یعنی امتیاز دادن به ایران. من شخصا از انجام چنین کاری متنفرم اما چاره‌ای نیست و واقعیت همین است؛ باید باجی بدهیم که فقط اسمش را باج نمی‌گذارند.

شبکه خبری هندی DD News با انتشار گزارشی از شهرهای موشکی زیرزمینی ایران، به ابعاد گسترده توان موشکی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. در این گزارش آمده که از تونل‌های مستحکم در دل کوه‌ها تا استقرار موشک‌های بالستیک، کروز و ضدکشتی؛ ایران بخش مهمی از توان بازدارندگی خود را در تاسیساتی پنهان و محافظت‌شده حفظ کرده است؛ ظرفیتی که هرگونه محاسبه نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند.

سخنگوی وزارت امور خارجه:

این ما هستیم که از کشورهای همسایه غرامت می‌خواهیم

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز یک‌شنبه ۲۴ آبان در نشست خبری هفتگی خود پاسخگوی سوالات خبرنگاران شد. اسماعیل بقایی درباره تحولات فلسطین گفت: رژیم صهیونیستی در پیشبرد کارزار نسل‌کشی فلسطینی‌ها از زمستان هم کمک گرفته و وضعیت فاجعه‌بار در غزه وجدان هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد. تعداد زیادی از کودکان و زنان به دلیل باران و سرما به شهادت رسیدند و همچنان در کل غزه با نسل‌کشی دست به گریبان هستیم. وضعیت در کرانه باختری نیز مساعد نیست. بازداشت‌ها و شکنجه در کرانه باختری ادامه دارد و با انواع حملات از طرف شهرک‌نشینان مواجه هستند. بیان مظلومیت فلسطین فریاد زدن برای انسانیت است. موضوع فلسطین موضوع عربی یا اسلامی نیست بلکه مسئله انسان معاصر است.

آژانس تحت نفوذ آمریکاست

سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به گزارش یکجانبه گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران گفت: در رابطه با نحوه انتشار گزارش‌ها، آژانس با مشکل ساختاری مواجه است. این نقصی است که آژانس باید برخورد کند، اما اگر اراده‌ای داشته باشد و به نظر تعمدی است. آژانس تحت تاثیر رویکرد جانبدارانه و تحت نفوذ آمریکا بر همان روش پیشین پافشاری دارد. گزارش یک سویه علیه ایران هم به اعتبار آژانس لطمه زده و هم مسئولیت آژانس را در پی خواهد داشت. بهانه‌سازی برای تشدید فضا درباره برنامه هسته‌ای ایران سودی نداشته است. وی ادامه داد: دو عضو دائم شورای امنیت با این رویکرد موافق نیستند و در این موضوع در سطح شورا نیز با نوعی انشقاق مواجهیم. یک نکته که در این گزارش وجود دارد، این است که آژانس مجبور شده به این واقعیت اعتراف کند حملات علیه ایران یک وضعیت بی‌سابقه را ایجاد کرده است. با وجود این انتظار می‌رفت آژانس خیلی صریح بیان کند که دلیل اصلی وضعیت موجود، تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده است. متاسفانه آژانس در پی این حملات این واقعیت عریان را نادیده گرفته است. مادامی که این وضع ادامه دارد نمی‌توان شاهد تحولی در روابط با آژانس بود. در خصوص معاهده منع اشاعه هم باید در نهادهای ذی‌ربط تصمیم‌گیری شود. مادامی که عضو آن پی‌تی هستیم به تعهدات در آن هم پایبندیم.

شرکای جنایت آمریکا علیه ملت ایران

وی در واکنش به بیانیه شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران گفت: این ادعا را جدی نگیرید و خودشان می‌دانند چقدر بی‌معناست. این کشورها یا مدیرکل شورای همکاری خلیج فارس باید مراقب باشند زخم کهنه را نیشتر نزنند، هنوز خاطره حمایت کشورهای منطقه از رژیم صدام پاک نشده است. اکنون تردیدی نیست که کشورهای منطقه چند صد میلیارد دلار به صدام کمک نظامی کردند. اینها مستند شده و مطالبه تاریخی ایران است. در وضعیتی که فعالانه در تجاوز نظامی علیه ایران مشارکت داشتند و آب و خاک خودشان را در اختیار دشمنان قرار دارند چگونه حرف از غرامت می‌زنند؟

بقایی بیان داشت: مقامات آمریکا به صراحت اعلام کردند که این کشورها فعالانه کمک کردند. آیا می‌توانند کتمان کنند؟ اینکه منشا برخی از حملات به ایران بودند، مشخص است. طبق حقوق بین‌الملل به عنوان همراه و همدست محسوب می‌شوند و شریک جنایات هستند، این ما هستیم که درخواست غرامت داریم. همه مواردی که کشورها نقش داشتند، مستند شده است و مستقیما اعلام شده و پیگیری می‌کنیم. اقدامات ایران در دفاع از خود ماهیت دفاعی داشته است. بقایی در پاسخ به سوالی در خصوص ادعاهای آمریکا درباره مذاکرات گفت: ما به دعواهای داخلی آنان کاری نداریم ولی این واقعیت است که آمریکا دیپلماسی را از معنا تهی کرده است. دیپلماسی ابزاری برای جلوگیری از تنش مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما آمریکا از دیپلماسی برای کمین و شبیخون استفاده کرده است. دنیا با سوءظن به ادعاهای دیپلماتیک آمریکا نگاه می‌کند به ویژه ایران که تجربه سنگینی از تعامل با آمریکا دارد، حتما موظفیم تجربه‌ها را مدنظر قرار دهیم.



رایزنی با چین و روسیه مستمرا دامه دارد

وی درباره نشست سه‌جانبه چین، روسیه و آمریکا و طرح موضوع درباره ایران گفت: اینکه سه قدرت بخواهند درباره یک قدرت جهانی دیگر گفت‌وگو کنند، امر عجیبی نیست. ما هم با روسیه و هم چین در تماس نزدیک هستیم و شرکای راهبردی ما هستند و مواضع ما را به خوبی می‌دانند و با رویکرد یکجانبه آمریکا مخالف هستند. می‌دانند آنچه در منطقه اتفاق افتاده نتیجه تجاوز آمریکا و اسرائیل است و حتما خواهان پاسخگویی آمریکا هستند، رایزنی ما با چین و روسیه مستمرا دامه دارد و ما مرتب مشورت می‌کنیم. وی درباره سفر شنبه شب هیات قطری به تهران گفت: رفت‌وآمدها وجود دارد، قرار نیست هر رفت‌وآمدی روند مذاکراتی تازه باشد. ایران همسایگان زیادی دارد و این رفت‌وآمدها را در چارچوب مذاکره نبینید و کشورها در حوزه‌های مختلف تعامل دارند. بقایی درباره خواست آمریکا برای کنار گذاشتن برنامه هسته‌ای ایران گفت: آمریکا سیاست اعلامی‌اش از ابتدا این بوده که ایران از حق خودش درباره استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای کوتاه بیاید، اما ایران طرفی نیست که از حق حاکمیتی و بنیادین خودش بگذرد. وی در واکنش به اتهامات فرانسه و بلژیک علیه ایران درباره یخچال فروشگاه‌های این کشورها گفت: این عادت شده که کشورهای اروپایی بدون احساس نیاز به مدرک صرفا اتهام‌زنی می‌کنند، این اتهامات مطلقا بی‌اساس است. به همان اندازه بی‌اساس است که فلان سناتور آمریکایی گفت ایران کودکان را در ماکروویو می‌کشد. این الگو در بین آمریکایی‌ها و برخی کشورهای اروپایی رواج پیدا کرده است. به نظر می‌رسد ادعای دستکاری در یخچال‌ها برای فرار از قصورات خودشان است. حدود پنج ماه قبل از این اتفاق یکی از شرکت‌های رژیم صهیونیستی گفته بود سامانه‌ها ایراد دارد. خودتان دیگر پرتقال فروش را پیدا کنید. چنین عملیات‌های پرچم دروغین در اروپا خریدار دارد. رژیم صهیونیستی دنبال این است از کشورهای اروپایی برای پیشبرد مطامع خودش یارگیری کند. ما از دولت فرانسه می‌خواهیم این روند اتهام‌زنی علیه ایران را متوقف کند، زیرا در تناقض با حقوق بین‌الملل است و مسئولیت فرانسه را در پی دارد. سخنگوی وزارت خارجه درباره درخواست‌ها برای عبور کود شیمیایی از تنگه هرمز گفت: ما از همان زمان تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی و در اوج درگیری با بخش‌های ذی‌ربط سازمان ملل در ارتباط بودیم و اعلام کردیم آماده کمک برای انتقال اقلام بشردوستانه هستیم. سازمان ملل از ابتدا مکلف بود درباره تجاوز علیه ایران موضع بگیرد، مقامات سازمان ملل در این خصوص مسئولیت دارند. هم اکنون باید طرفی را مخاطب قرار دهند که باعث و بانی این وضعیت است و باعث مختل شدن جریان تردد کشتی‌ها شده است. در هر گفت‌وگویی نباید این را از یاد ببریم که عامل این وضعیت آمریکا است.



حامد شبخیز، مسئول سازمان بسیج هنرمندان کشور:

اجلاسیه‌های تخصصی کنگره شهدای هنرمند از ۱۵ آذر برگزار می‌شود

برنامه‌های هفته کتاب در تهران اعلام شد

در میدان می‌خوانیم

سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران همزمان با سی‌وچهارمین دوره هفته کتاب و کتاب‌خوانی، از ۲۴ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۵، مجموعه‌ای از برنامه‌های فرهنگی و ترویجی را با شعار «در میدان می‌خوانیم» در سطح مناطق ۲۲گانه، کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی خود برگزار می‌کند.

به گزارش پایگاه خبری تحلیلی فرهنگ و هنر؛ سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در حالی سی‌وچهارمین هفته کتاب و کتابخوانی را آغاز می‌کند که در جنگ تحمیلی دوم و سوم، چهارتن از اعضای کتابخانه‌های آن به شهادت رسیده‌اند و پنج کتابخانه در ایام جنگ تحمیلی آسیب دیده‌اند.

در همین راستا «هفتمین اجتماع بچه‌کتاب‌خون‌ها» با حضور نوجوانان فعال دورهمی‌های کتاب‌خوانی در باغ کتاب تهران برگزار می‌شود. اختتامیه چالش‌های تولید محتوا در دورهمی بچه کتاب خون‌ها، چالش پنجم و جشن سه‌سالگی این دورهمی، از بخش‌های این اجتماع فرهنگی است.

همچنین بازنمایی فضای کتابخانه مادر و کودک با عنوان «کتابخانه در میدان» در بلوار کشاورزو محدوده تجمع میدان ولی‌عصر(عج) راه‌اندازی می‌شود. این فضا با هدف تبیین تجربه کتاب‌خوانی مادر و کودک و آشنایی خانواده‌ها با شیوه‌های تربیت کودکان کتاب‌خوان، با همراهی مربیان فعالیت خود را آغاز می‌کند.

در سطح مناطق ۲۲گانه، فرهنگسراهای خاص و کتابخانه‌های تحت پوشش، برنامه‌های متنوعی برای گسترش دسترسی شهروندان به کتاب و ترویج کتاب‌خوانی اجرا می‌کنند. یکی از این برنامه‌ها، «در میدان کتاب» است که رویداد «دست به دست» و عضویت رایگان در میادین اجرا می‌شود.

رویداد دست به دست به مبادله کتاب‌های خوانده‌شده میان شهروندان اختصاص دارد. در این برنامه از شهروندان دعوت می‌شود کتاب‌هایی را که پیشتر خوانده‌اند برای مبادله به میدان همراه بیاورند. اطلاع‌رسانی این رویداد از روز قبل انجام می‌شود تا خانواده‌ها و علاقه‌مندان فرصت مشارکت داشته باشند. این طرح با فراهم کردن امکان دسترسی به کتاب بدون نیاز به خرید، فرصتی تازه برای ترویج مطالعه در میان خانواده‌ها ایجاد می‌کند.

اجرای طرح عضویت رایگان در کتابخانه‌های سازمان، دعوت شهروندان به استفاده از ظرفیت کتابخانه‌ها، برگزاری برنامه‌های کتاب محور متناسب با رویکرد رهبر شهید در ترویج کتاب‌خوانی و نمایش تصاویر اعضای شهید کتابخانه‌های سازمان در قالب این برنامه نیز پیش‌بینی شده است.

همچنین در ایام هفته کتاب برنامه‌های متنوعی در فرهنگسراها با عنوان «رویداد کتاب» تدارک و اجرا می‌شود. در این برنامه، هر مرکز متناسب با ظرفیت و اقتضائات خود، یک رویداد فرهنگی کتاب محور برگزار می‌کند. رونمایی و معرفی کتاب، نقد و بررسی آثار، دعوت از نویسندگان و تجلیل از چهره‌های فعال فرهنگی و نویسندگان محلی، اجرای اردوی کتاب قالب‌های پیش‌بینی شده برای اجرای این رویدادهاست.

امکان عضویت رایگان شهروندان در کتابخانه‌های سازمان، بخشودگی تمامی جرایم دیرکرد اعضای کتابخانه‌ها، فضاسازی و شاداب‌سازی کتابخانه‌ها و «دیدار با کتابدار»، کتاب‌خوانی در خانه‌های کودک فرهنگسراها از دیگر برنامه‌های این هفته است.

همچنین با توجه به شهادت چهارتن از اعضای کتابخانه‌های سازمان در جنگ تحمیلی دوم و سوم، تصاویر و روایت‌هایی از این شهدا در قالب گوشه یادبود در فضای کتابخانه‌ها به نمایش درمی‌آید؛ بشرا عرب‌زاده عضو ۱۱ ساله کتابخانه گلستان در منطقه هشت و مهسا اکبری عضو ۱۵ ساله کتابخانه ۱۳آبان در منطقه ۲۰ در جنگ تحمیلی سوم به شهادت رسیده‌اند. عزیز سیفی‌آوارسین از اعضای کتابخانه‌های شهید آوینی در منطقه چهار و محسن نهضت شهریاری عضو کتابخانه شیخ صدوق واقع در منطقه ۲۰ در جنگ ۱۲روزه به شهادت رسیده‌اند.

در هفته کتاب، صدونهمین دورهمی بچه‌کتاب خون‌ها با عنوان «پاسکال، خیام و حالا من» نیز برگزار می‌شود. این نشست با محوریت کتاب‌هایی شکل می‌گیرد که نوجوانان را به جست‌وجوی راه‌حل‌های تازه، تفکر خلاق و کشف مسیرهای نو دعوت می‌کنند. گفت‌وگو و تبادل تجربه‌های مطالعاتی، تکریم و قدردانی از اعضای فعال و مستمر دورهمی‌ها و توجه به نقش کتاب‌خوانی در پرورش خلاقیت و هویت بخشی به جمع نوجوانان، از اهداف این برنامه است.

همچنین در هریک از مناطق ۲۲گانه و فرهنگسراهای سازمان، متناسب با ظرفیت‌ها و اقتضائات فرهنگی هر منطقه، برنامه‌های متنوعی با محوریت کتاب و کتاب‌خوانی تدارک دیده شده است. برگزاری نشست‌های تخصصی و ادبی، معرفی و نقد و بررسی کتاب، رونمایی از آثار تازه، دیدار با نویسندگان و تجلیل از فعالان حوزه کتاب، بخشی از این برنامه‌هاست که با هدف گسترش فرهنگ مطالعه و افزایش مشارکت شهروندان در نقاط مختلف شهر اجرا می‌شود.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به درگاه رسمی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به نشانی www.farhangsara.ir مراجعه کنند یا با شماره تلفن گویای ۱۸۳۷ تماس بگیرند.

بازخوانی سلوک فکری فیلسوفی که شرق و غرب را به تماشا نشست

رستاخیز معنا



در روزگاری که جهان اندیشه میان پوزیتیویسم عریان و عقلانیت ابزاری غرب از یک‌سو و تحجر سنت‌های راکد از سوی دیگر در محاصره بود، مردی با قبای ساده حوزوی و لحنی آکنده از صداقت و شور شرقی برخاست که مرزهای جغرافیایی تفکر را درهم شکست. علامه محمدتقی جعفری تنها یک فقیه، اصولی یا فیلسوف محبوس در برج عاج اصطلاحات نبود؛ او کاوشگر دردمند «حیات معقول» و دیده‌بان بیدار کرامت انسانی بود. در میان تمامی وجوه شگفت‌انگیز زیست علمی و فلسفی او، مواجهه‌اش با جلال‌الدین محمد بلخی فصلی یگانه و بی‌بدیل در تاریخ اندیشه معاصر رقم زد. علامه با نگارش دوره سترگ «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی»، جلال‌الدین را از تصوف صرف و انزواگرای خانقاهی به صحنه عینی حیات بشری کشاند و پلی استوار میان عقلانیت مدرن و شهود عرفانی بنا نهاد؛ پلی که هنوز پس از سال‌ها، شاهراه نجات انسان از بحران معناست.

برای فهم مردی که سال‌ها بعد روبه‌روی متفکرانی چون برتراند راسل ایستاد و با ارنست فیشر و روژه گارودی به گفت‌وگو نشست، باید به سال ۱۳۰۴ در محله راسته کوچه تبریز بازگشت. کودکی در خاندانی با اصالت اما به غایت ساده و تهیدست متولد شد؛ پسری که در چشمانش برقی از اشتیاقی نامتعارف و مهارنشدنی موج می‌زد. مادرش سیده بلقیس، نخستین زمزمه‌های معرفت را در جانش نشاند و مکتب‌خانه تبریز، آغازی شد بر تشنگی بی‌پایان روحی که هرگز در حصارهای سنتی آرام نگرفت.

محمدتقی خیلی زود تبریز را به مقصد تهران و مدرسه مروی ترک کرد و از آنجا راهی قبله علم جهان تشیع، نجف اشرف شد. سال‌های نجف برای او تنها صرف تدقیق در اصول فقه و فقه جواهری نشد، هرچند که در جوانی به درجه اجتهاد رسید و اساتیدی چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، میرزای نائینی، سید عبدالهادی شیرازی و آقاضیاء عراقی را درک کرد. اما تفاوت بنیادین جعفری جوان با خیل طلاب هم‌عصرش، در نوع نگاه او به هستی نهفته بود. او در کنار ورق زدن کتب فقهی، در علوم جدید، ریاضیات، فیزیک نوین و فلسفه غرب غرق شد. او فیزیک انیشتین، نظریه تکامل، نسبیت و متون کانت و دکارت را در همان حجره‌های نمور و پرحرارت نجف با ولع خواند.

علامه دریافته بود که درد انسان معاصر، جهل به احکام جزئی نیست؛ بحران انسان معاصر بحران هویت، مسخ معنا و تهایی اگزیستانسیال در جهان صنعتی و ماشین‌زده است. او با چنین توشه‌ای و با کوله‌باری از پرسش‌های بنیادی درباره انسان، به ایران بازگشت تا فیلسوف دردهای زنده زمانه خویش باشد، نه راوی فرمول‌های انتزاعی و بی‌روح.

پیوند برهان و لبخند

تصویری که جامعه ایران از علامه جعفری در حافظه دارد، تابلویی بی‌بدیل از تلفیق عمق فلسفی و سادگی کودکانه است. خانه‌اش در میدان خراسان تهران، پناهگاه هر جوینده‌ای بود؛ از دانشجوی مارکسیست سرگردان تا استاد دانشگاه سوربن، از جوان مشتاق تا فقیه سنتی. در سیمای او اثری از نخوت فیلسوفانه نبود. لهجه شیرین ترکی، شوخ‌طبعی‌های نغز، تواضع شگفت و نگاه نافذی که تا عمق جان مخاطب نفوذ می‌کرد، از او متفکری مردمی ساخت که فلسفه را از زبان تخصصی و ثقیل به متن زندگی و کوچه و بازار می‌آورد.

نظریه محوری علامه، حیات معقول بود. او تمام عمر کوشید تا نشان دهد زندگی انسان تنها در حیات طبیعی حیوانی و چرخ دنده‌های معاش و سود خلاصه نمی‌شود. او حیات معقول را چنین تعریف می‌کرد: «حیاتی تکاملی و آگاهانه که در آن، نیروها و استعدادهای درونی انسان با هدایت عقل سلیم و وجدان پاک، در جهت نیل به ارزش‌های والای اخلاقی و الهی شکوفا می‌شود.» از دیدگاه او، علم بریده از اخلاق، توحشی مدرن و فلسفه بریده از تعهد، لفاظی محض بود. اما علامه برای تبیین و تجسم عینی این حیات معقول، محتاج یک آینه تمام‌نما بود؛ آینه‌ای که بتواند روح انسان را در ژرف‌ترین ابعادش بازتاب دهد و آن آینه، چیزی جز مثنوی معنوی مولانا نبود.

رهایی از غبار تقدس‌مآبی و خانقاه‌نشینی

ورود علامه جعفری به ساحت مثنوی‌پژوهی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، تصمیمی متهورانه و حتی تا حدی پرخطر بود. در آن روزگار، حوزه سنتی به دلیل پاره‌ای تمایزات کلامی و تاریخی، نگاهی سرشار از احتیاط، تردید و گاه نفی به مولوی و تصوف داشت؛ در محافل دانشگاهی نیز مثنوی بیشتر از منظر ادبی، زبان‌شناختی، نسخه‌شناسی یا زیبایی‌شناسی فرمی مورد بررسی قرار می‌گرفت. در این میان، جریان‌های صوفیانه نیز مثنوی را درون دایره بسته‌ای از اصطلاحات ذوقی و تاویلات غریب و غیرپاسخگو حبس کرده بودند.

علامه جعفری در میان این سه جریان، راه چهارمی گشود. او نه مولانا را به اتهام صوفی‌گری طرد کرد، نه در برابر او تسلیم کورکورانه شد و نه به زیبایی‌های ظاهری الفاظ و صور بسنده کرد. او به مثنوی به چشم یک دایره‌المعارف روان‌شناسی و انسان‌شناسی وجودی نگریست. علامه دریافت که ابیات جلال‌الدین، پژواک ضربان قلب انسانی است که از نیستان حقیقت بریده و در تنگنای عالم ماده در جست‌وجوی اتصال دوباره است.

او مولانا را نه یک شاعر صوفی مسلک منزوی، بلکه یک متفکر سترگ، دردمند و آینده‌نگر می‌دید که از سده هفتم هجری پیامی رهایی‌بخش برای انسان مضطرب و از خودبیگانه قرن بیستم دارد. به همین دلیل بود که علامه سال‌های طولانی از پربارترین دوران حیات فکری خود را وقف بازخوانی، کالبدشکافی و تدوین اثری کرد که تبدیل به یکی از ماندگارترین شاهکارهای تفسیری تاریخ فرهنگ ایران شد؛ مجموعه عظیم ۱۵ جلدی «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی».

سمفونی عقل، شهود و علم جدید

شاهکار علامه در مواجهه با مثنوی، ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد دارد که آن را از تمامی شروح پیشین متمایز می‌سازد. واژه «نقد» در عنوان کتاب، نه یک تعارف ادبی، بلکه یک متدولوژی دقیق علمی بود. علامه هرگز مرعوب هیبت هیچ اندیشمندی، حتی مولوی، نمی‌شد. او با صراحت و ادب علمی، هرجا که برداشت‌های جلال‌الدین را با مبانی عقلانی محکم، آیات قرآن یا روایات اصیل ناسازگار می‌دید، نقد می‌کرد؛ از جمله در برخی مباحث مربوط به جبر و اختیار یا پاره‌ای تمثیلات که از دیدگاه جامعه‌شناختی یا اخلاقی چالش‌برانگیز بودند.

اما ویژگی درخشان این تفسیر، رویکرد تطبیقی و چندرشته‌ای آن بود:

۱. پل زدن میان مثنوی و علم روز: علامه ابیات مولانا را در روشنایی فیزیک کوانتوم، زیست‌شناسی، روان‌شناسی عمقی فروید و یونگ و نظریات اگزیستانسیالیستی سارتر و کی‌یرکگور بازخوانی می‌کرد. وقتی مولانا می‌سرود: «این جهان کوه است و فعل ما ندا / سوی ما آید نداها را صدا»، علامه تنها به تمثیل پژواک بسنده نمی‌کرد؛ او قوانین فیزیک، بازگشت انرژی و تاثیرات کارمایی و اخلاقی اعمال در نظام کیهانی را پیش چشم مخاطب می‌نشاند.

۲. انسان‌شناسی تطبیقی: در این شرح سترگ، مثنوی با نمایشنامه‌های شکسپیر، رمان‌های داستایوفسکی و تولستوی، اعترافات آگوستین، افکار کانت، هگل و پاسکال مقایسه می‌شود. علامه نشان می‌دهد که چگونه مولانا سده‌ها پیش از آنکه متفکران غربی به روان‌شناسی ناهشیار، تضادهای درونی روان یا بحران از خودبیگانگی برسند، لایه‌های پنهان روان انسانی را با ظرافت روان‌کاوانه شکافته است.

۳. عینیت‌بخشی به مفاهیم انتزاعی: علامه عرفان را از آسمان بی‌ارتباط با زمین، به زمین پرازمسئله انسان مدرن فرود آورد. از نگاه او، فنا به معنای عدم و انفعال نبود، بلکه عبور از خودخواهی‌های فردی برای رسیدن به کنشگری خالصانه در جامعه بود. او نشان داد که عشق مولوی، نیرویی محرک برای ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر و اخلاقی‌تر است، نه تخدیر و بی‌تفاوتی نسبت به رنج‌های خلق.

مولوی‌پژوهی در ترازوی گفت‌وگوی تمدن‌ها

یکی از ثمرات شگفت تفسیر مثنوی علامه، آغاز یک گفت‌وگوی فکری عمیق میان شرق و غرب بود. وقتی متفکران و شرق‌شناسان غربی با نگاه علامه به مولانا مواجه شدند، دریافتند که اسلام و فرهنگ ایرانی دارای یک ظرفیت عقلانی و شهودی زنده است که نه‌تنها کهنه نشده، بلکه پاسخ‌های بنیادینی برای بحران‌های معاصر دارد. مکاتبات علامه با فرانتس روزنتال، شرق‌شناس برجسته و گفت‌وگوهای پرحرارت او با مستشرقانی که به دیدارش می‌آمدند، اثبات کرد که مثنوی می‌تواند زبان مشترک گفت‌وگوی تمدن‌ها باشد. علامه به جهان نشان داد که جلال‌الدین را نباید در رقص سماع و اشعار شورانگیز رمانتیک خلاصه کرد؛ مولانا یک معمار بزرگ اندیشه است که نقشه‌ای جامع برای نجات هویت انسانی از چنگال ماده‌گرایی و نهیلیسم ترسیم کرده است. علامه با این تفسیر، به جهان ثابت کرد که تفکر اسلامی در بطن خود صاحب فلسفه‌ای پویا و ارگانیک است که از دیالوگ با هیچ مکتبی در جهان هراس ندارد.

زنده بودن در عصر سرگشتگی

علامه محمدتقی جعفری در ۲۵ آبان ۱۳۷۷ خورشیدی رخت از این جهان خاکی بربست، اما طنین اندیشه و میراث معرفتی او همواره زنده است. در روزگاری که ما زندگی می‌کنیم؛ عصر شتاب، سطحی‌نگری دیجیتال، داده‌های انفجاری و فقر مزمن معنا، نیاز به رویکرد علامه جعفری به مراتب بیش از گذشته احساس می‌شود.

امروز که انسان‌ها میان چرخ دنده‌های روزمرگی، اضطراب‌ها و سرگشتگی‌های فلسفی دست‌وپا می‌زنند، بازگشت به آن نگاه جامع، درمان‌بخش است؛ نگاهی که انسان را نه یک ماشین بیولوژیک و نه فرشته‌ای فارغ از رنج‌های مادی، بلکه ترکیبی شگفت از خاک و افلاک می‌داند. مثنوی‌پژوهی علامه جعفری به ما آموخت که چگونه می‌توان بر ریشه‌های سنت و حکمت دینی ایستاد، با شجاعت به افق‌های اندیشه غرب نگریست، پنجره‌ها را به روی علم نوین گشود و همزمان، شعله عشق و شهود را در جان روشن نگه داشت.

علامه جعفری در آخرین لحظات حیات نیز چشم به افق‌های دوردست معنا دوخته بود. او تجسم عملی آن بیتی بود که بارها در شرح‌هایش زمزمه کرده بود:

«بار دیگر کی رهم زان بعد مرگ؟ / تا سر آرم از میان چرخ و برگ...»

او رفت، اما حیات معقول و تفسیر روشنگرانه‌اش از مثنوی، همچنان مانند فانوس دریایی استواری در طوفان‌های فکری جهان معاصر، مسیر رسیدن به کرامت، انسانیت و جاودانگی را نشان می‌دهد.

روایتی از دالیا حجاج، یکی از دو میلیون آواره غزه‌ای

بانوی نابینای فلسطینی در هیاهوی جنگ و مرگ و آوارگی حافظ کل قرآن شد

جنگ، بمباران، ویرانی، مرگ، گرسنگی، تشنگی، باد و باران و سرما... هر بلایی بر سرشان چون سنگ ببارد، فرقی نمی‌کند! باز دست‌شان از ریسمان الهی جدا نمی‌شود؛ از ریسمان قرآن کریم که هرکه در آن چنگ انداخته، از خطر غرق شدن در گرداب بلایا به سلامت بیرون آمده است، که فرمود: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...» (۱۰۳/آل عمران).

این حکایت مردم ویرانه غزه است... نام غزه‌ای‌ها را؛ نام این ملت باستانی فلسطینی را انگار با مقاومت سرشته‌اند؛ مقاومتی که ریشه در آیه‌های صبر و شکر و جهاد و توکل دارد؛ ریشه در آیه‌های کتاب نور...

باید رگ و ریشه‌ات به آیه‌های مقاومت برسد که در ناممکن‌ترین لحظه‌های زیستن؛ در وحشت مرگ و بی‌کسی و گرسنگی، باز همدمت قرآن باشد و انس و الفت با کلام خدا.

مثل جمعیت دو میلیون نفری غزه که یکی یکی یا گروه گروه به تیر زهرآلود دشمنان خدا کشته می‌شوند و با تکیه بر آیات نور، نه سر تسلیم فرود می‌آورند و نه حاضر به ترک سرزمین مادری‌اند.

مثل «دالیا حجاج» که با وجود محرومیت از بینایی، در شرایط آوارگی و گرسنگی و بی‌خانمانی، آنچنان با کلام خدا همنشین و همسایه شده که صفحه به صفحه و سوره به سوره و آیه آیه‌اش را به خاطر سپرده است.

دالیا ایمن فرید حجاج، یک نوجوان فلسطینی اهل غزه است که مثل تمام جمعیت دو میلیونی باریکه، سه سال اخیر را در جنگ و آوارگی و دربه‌دری گذراند؛ از شمال به جنوب؛ از شرق به غرب... مثل تمام مردم غزه، گرسنگی کشید و در تابستان، گرمای آزاردهنده زیر چادر و در زمستان، باران و سرما، آرامش و آسایش را از او گرفته بود.

این رنج مشترک اهالی غزه، برای او دو برابر بود، چراکه از نعمت بینایی محروم بود و چشمانش جز به تماشای سیاهی باز نمی‌شد. دالیا نابینای مادرزاد بود. در چنین شرایط بغرنج و دردآلودی تنها تسکین‌دهنده دختر فلسطینی کلام خدا بود و انس به آیه‌های رحمت. دالیا کتاب خدا را گشود و شروع کرد به حفظ کردن آیه‌ها و گره زدن زلف قلب و جان و روحش به واژه‌های نور.

دالیا در گفت‌وگو با مجله عربی میم درخصوص شرایط سخت یادگیری و حفظ قرآن کریم این‌گونه گفته بود: «پیشتر قرآنی به خط بریل داشتم و با کمک دستانم آن را می‌خواندم، ولی به دلیل جنگ و آوارگی، قرآنم را از دست دادم، اما این باعث نشد که از ادامه حفظ قرآن غافل و دلسرد شوم».

بانوی باهمت غزه‌ای به ناچار قرآن را به وُرد تبدیل کرده و با کمک برنامه‌های متن‌خوان و گوش دادن روزانه به کلام‌الله، آن را به‌طور کامل حفظ می‌کند.





گروه ۸۵ نفره «نسل وحی قرآن»

البته دالیا تنها حافظ قرآنی نبود که در شهر پرامسال از او تقدیر شد. او یکی از ۸۵ نفری بود که با عنوان گروه «نسل وحی قرآن»، تابستان امسال حفظ کامل قرآن را در غزه جنگ‌زده به پایان رساندند و در شهر غزه از آنها برای این کار بزرگ در شرایط دهشتناک جنگی و آوارگی ـ که آدمی فقط برای زنده ماندن تلاش می‌کند ـ تقدیر شد. دالیا و ۷۵ نفر دیگری که امسال حفظ قرآن را به پایان رساندند، فقط چند نفر از جمعیت بزرگ حافظ قرآن غزه هستند که تداوم صبر و ایمان خود را در شرایط مرگ و بقا با چسبیدن به ریسمان الهی و آیات نور تضمین می‌کنند.

تجلیل از حافظان قرآن در مسجد آسیب‌دیده

اوایل مهر امسال از ۲۵۰ حافظ قرآن کریم دختر و پسر دیگر در حضور خانواده‌هایشان در غزه تجلیل شد. این تجلیل در مسجد «امام شافعی» در محله الزیتون شهر غزه صورت گرفت؛ مسجدی که در جریان جنگ طوفان الاقصی و براثر حمله هوایی رژیم صهیونیستی آسیب دیده است. با این حال، فضای شاد و توام با افتخار ناشی از حفظ قرآن در فضای مسجد حاکم بود.

همه این حافظان کوچک و بزرگ و زن و مرد و رزمنده و غیررزمنده، حاملان کتاب خدا در سینه‌های بزرگ و صبورشان هستند و با نور این چراغ آسمانی، آرامش و ایمان و امید را به قلب‌های خود و هموطنان‌شان وارد می‌کنند؛ امید به زندگی بدون نکبت و صهیون را؛ امید به فردای روشنی که وعده حتمی خدای مهربان و کتاب آسمانی او برای بندگان مستضعف روی زمینش است؛ «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ/۵ قصص».



عکس: مجید خواهی

گفت‌وگوی تفصیلی «آگاه» با رضا دبیری‌نژاد، مدیر موزه هنرهای معاصر (بخش دوم و پایانی)

موزه باید به محلی برای گفت‌وگو تبدیل شود

دبیری‌نژاد از ضرورت گسترش نقش اجتماعی موزه و ایجاد شبکه‌ای از موزه‌های هنری در سراسر کشور می‌گوید

زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: رابطه موزه با جامعه، رابطه‌ای ثابت و ازپیش تعریف شده نیست. موزه‌ای که روزگاری بیش از هر چیز محل تماشای آثار و مواجهه با تاریخ هنر بود، امروز با پرسش‌های تازه‌ای روبه‌روست؛ چه کسانی را به خود راه می‌دهد؟ چه تجربه‌ای برای مخاطب می‌سازد؟ و چگونه می‌تواند هم حافظ میراث هنری باشد و هم با تغییرات فرهنگی و اجتماعی زمانه ارتباط برقرار کند؟ پاسخ به این پرسش‌ها فقط به برنامه نمایشگاه‌ها یا رویدادهای جانبی مربوط نیست؛ به تصوری برمی‌گردد که از کارکرد موزه و نسبت آن با شهروندان وجود دارد. موزه هنرهای معاصر تهران نیز در آستانه ۵۰ سالگی، با انتظاراتی روبه‌روست که تنها به حفظ و نمایش آثار محدود نمی‌شوند. بررسی مسیر این موزه، فرصتی است برای تامل در اینکه یک نهاد هنری چگونه می‌تواند گذشته خود را حفظ کند و در عین حال، معنای حضورش را برای جامعه امروز از نو تعریف کند.

رضا دبیری‌نژاد، مدیر موزه هنرهای معاصر تهران، در این بخش از گفت‌وگوی تفصیلی با روزنامه «آگاه» به مجموعه‌ای از مسائل ساختاری و اجرایی این موزه می‌پردازد؛ مسائلی که از تعریف ماموریت موزه و شیوه تکمیل گنجینه آغاز می‌شوند و تا چگونگی ارتباط آن با مخاطبان و ترسیم چشم‌انداز آینده ادامه پیدا می‌کنند. او با تاکید بر اینکه گردآوری آثار تنها به خرید محدود نیست و هر اثر تازه مسئولیت‌هایی در زمینه نگهداری و حفاظت به همراه دارد، از کمبود فضای مخازن، ضرورت سامان‌دهی آنها و برنامه‌های توسعه ظرفیت نگهداری می‌گوید.

بخش دیگری از گفت‌وگو به تلاش برای بازتعریف موزه به‌عنوان نهادی اجتماعی و محل گفت‌وگو اختصاص دارد؛ از گسترش فعالیت‌ها برای گروه‌های مختلف و افزایش دسترس‌پذیری تا برنامه‌های ویژه کودکان، کانون جوانان و طرح‌هایی مانند تولید کتاب و بازی برپایه آثار موزه. او از راه‌اندازی کانون هنر و هوش مصنوعی، فعال شدن کانون موسیقی معاصر و امید به شکل‌گیری کانون معماری نیز سخن می‌گوید. در پایان نیز استانداردسازی و توسعه مخازن و تثبیت هویت موزه‌ای را دو دستاوردی معرفی می‌کند که امیدوار است از دوره مدیریتش باقی بماند.

دبیری‌نژاد در بخش نخست این گفت‌وگو که در تاریخ ۱۸ آبان ۱۴۰۵ در صفحه فرهنگ روزنامه «آگاه» با تیتر «دارایی پنهان، سرمایه نیست» منتشر شده بود، درباره ضرورت راه‌اندازی گنجینه آنلاین موزه هنرهای معاصر تهران، شفافیت در انتشار اطلاعات آثار، دسترس‌پذیری عمومی و برنامه نمایش دائمی شاهکارهای گنجینه سخن گفته بود.

بخش دوم این گفت‌وگوی تفصیلی را در ادامه می‌خوانید.

■ موزه هنرهای معاصر در قبال آثاری که هنوز در گنجینه ندارد چه مسئولیتی برای خودش در نظر دارد و چطور باید برای تکمیل مجموعه برنامه‌ریزی کند؟

هر موزه باید رسالت مشخصی داشته باشد. موزه، موضوع، مجموعه و ماموریتی دارد و باید در راستای همان موضوع، مجموعه خود را تکمیل کند. برای مثال، موزه‌ای که سکه‌های ایران را گردآوری می‌کند باید برای به دست آوردن سکه‌های مرتبطی که هنوز ندارد تلاش کند؛ یا موزه‌ای با موضوع علم، داده‌ها و آثار علمی را جمع‌آوری می‌کند.

نام «موزه هنرهای معاصر» باعث شده افراد مختلف با برداشت‌های متفاوتی به آن نگاه کنند. از هنر معاصر در سال‌های گذشته روایت‌های گوناگونی ارائه شده و خود معاصر بودن هم امری جاری و ادامه‌دار است. پرسش این است که آیا موزه موظف است همواره هنر معاصر زمانه خود را رصد کند، آثار شاخص و نقاط عطف تاریخ هنر معاصر را تشخیص دهد و به گنجینه اضافه کند؟ از کدام بخش یا کدام نوع هنر معاصر باید اثر گردآوری کند؟ آیا همه شکل‌های هنر معاصر را باید پوشش دهد؟ اینها پرسش‌هایی درباره تعریف ماموریت موزه هستند.

وقتی از گردآوری حرف می‌زنیم، منظور فقط خرید آثار نیست. موزه‌ها امروز از راه وقف، اهدا، نذر فرهنگی و روش‌های دیگر نیز مجموعه خود را گسترش می‌دهند. در دوره‌هایی امکانات مالی برای خرید وجود داشته و آثار به شیوه‌های مختلف گردآوری شده‌اند، اما در دوره‌هایی نیز این امکان فراهم نبوده است. اکنون در شرایط دشوار اقتصادی باید ببینیم توان مالی موزه چقدر است و اولویت‌ها چیست. وقتی مسائل حل نشده حفاظتی و ایمنی داریم، اگر بودجه‌ای در اختیارمان باشد، باید تصمیم بگیریم آن را صرف چه کاری کنیم.

افزون بر این، گردآوری هر اثر مسئولیت تازه‌ای ایجاد می‌کند. نگهداری اثر فقط تحویل گرفتن آن نیست؛ هزینه، مخزن مناسب، فضای کافی، امکان مرمت و مراقبت دائمی لازم دارد. هر اثر جدید به مسئولیت‌های موزه اضافه می‌کند. امروز با بحران کمبود فضای مخزن روبه‌رو هستیم. این مجموعه در حدود ۵۰ سال پیش برای شمار محدودی از آثار طراحی شد و با افزایش تدریجی گنجینه، ظرفیت مخازن دیگر پاسخ‌گوی نیازهای امروز نیست. برای افزودن آثار باید مخزن تازه ساخت یا فضای موجود را توسعه داد. حتی می‌توان پرسید که آیا ساختمان فعلی با این حجم فعالیت و گستردگی ماموریت‌ها همچنان پاسخ‌گو هست؟

در گزارش‌های اولیه می‌بینیم که مدیران و بنیان‌گذاران موزه، حتی در سال نخست فعالیت، درباره کمبود فضا نامه‌نگاری کرده‌اند. در برخی صورتجلسات پیشنهاد شده بود یکی دو ملک اطراف یا زمین‌های دیگری معاوضه و در اختیار موزه گذاشته شوند. موزه حتی ملکی برای اقامت کیوریتورهایی که از خارج می‌آمدند یا برای فعالیت‌های دیگر در نظر داشته است. بخشی از آن برنامه‌ها اجرا شد و بخشی نیمه‌تمام ماند.

امروز انتظارها حتی از برنامه‌های اولیه هم بیشتر است و همین مسئله کار را پیچیده‌تر می‌کند.

رفتار و فعالیت موزه در ۵۰ سال گذشته نیز انتظارهایی ایجاد کرده است. در دوره‌ای که گالری‌های بزرگ در کشور کم بودند، موزه نقش گالری را هم ایفا می‌کرد. در دوره‌هایی از اعتبار موزه برای برگزاری جشنواره‌ها، دوسالانه‌ها و بینال‌ها استفاده می‌شد و موزه از وظیفه اصلی موزه‌ای خود فاصله می‌گرفت. حالا برخی انتظار دارند همان برنامه‌ها تکرار شوند. بازگرداندن موزه به نقش و جایگاه اصلی‌اش آسان نیست؛ باید انتظارها را بازنگری کرد و گاهی در برابر برخی درخواست‌ها ایستاد. طبیعی است که این کار نارضایتی، انتقاد و گلایه ایجاد کند و برای مدیریت موزه چالش‌برانگیز باشد.

■ با توجه به افزایش تعداد آثار، وضعیت فضای مخازن چگونه است و چه اقداماتی برای توسعه آن انجام می‌شود؟

حدود یک سال و نیم است که در موزه مسئولیت دارم. در سال‌های گذشته چند مرحله تعمیر و بهسازی انجام شده و مخازن تا حدی توسعه یافته‌اند، اما نمی‌توان گفت این توسعه برای پاسخ‌گویی به همه نیازها کافی بوده است. واقعیت این است که همچنان با کمبود فضا روبه‌رو هستیم. برنامه ریزی و طراحی هایی انجام داده‌ایم تا در مرحله نخست با سامان‌دهی مخازن، هم استاندارد نگهداری را بهبود دهیم و هم فضای بیشتری ایجاد کنیم. در مرحله بعد نیز می‌خواهیم فضاهایی به مخازن اضافه کنیم تا ظرفیت آنها افزایش پیدا کند.

موزه با هر نمایشگاه پرسشی مطرح می‌کند و باید در برابر پاسخ‌ها و نقدها صبور و شنونده باشد. وقتی تنوع دیدگاه‌ها افزایش می‌یابد، نباید انتظار داشته باشیم همه از ما تعریف کنند

■ جنگ، تحریم و وضعیت اقتصادی چه تاثیری بر برنامه‌های داخلی و بین‌المللی موزه گذاشته است؟

قطعا آسیب زده است؛ وقتی زندگی معمول همه ما از این شرایط تاثیر گرفته، طبیعی است که نهادی اجتماعی مانند موزه، با شرایط خاص خود، بیشتر تحت تاثیر قرار بگیرد. برنامه‌های بین‌المللی ما مختل شده‌اند. قرار بود آبان امسال نمایشگاهی با آثاری از خارج کشور داشته باشیم، اما برگزاری آن به تعویق افتاده است.

■ منظورتان از نمایشگاه بین‌المللی، برگزاری نمایشگاهی با آثار هنرمندان خارج از کشور در تهران بود؟

بله، قرار بود آثار از خارج به ایران بیایند و نمایشگاه در خود موزه برگزار شود، اما این برنامه عقب افتاده است. فعالیت‌هایی هم که قرار بود ما در خارج از کشور داشته باشیم به تعویق افتاده‌اند. در نمایش آثار نیز ناچار به احتیاط هستیم. برای مثال در اردیبهشت، خرداد و تیر، تلاش کردیم هر هفته یا هر ۱۰ روز حدود ۱۰ اثر را نمایش دهیم؛ زیرا شرایط نامشخص بود و باید می‌توانستیم در صورت بروز اتفاق، آثار را سریع به مخزن منتقل کنیم. حتی مجبور شدیم برخی آثار در معرض نمایش، مانند مجسمه‌های جاکومتی، را به مخزن برگردانیم و هنوز به شرایط عادی بازنگشته‌ایم. اثر مربوط به حوض روغن در میانه موزه را نیز جمع کردیم و هنوز به وضعیت پیشین بازنگردانده‌ایم. همچنان باید شرایط اضطراری را در نظر بگیریم.

از سوی دیگر، برنامه‌ریزی‌های ما دچار اختلال شده‌اند. برنامه‌ای یک ساله داشتیم که تقریبا نیمی از آن به هم خورد و بخشی از تعهدات عقب افتاد. ادامه هر برنامه به شرایط وابسته شده است. تورم نیز بر بودجه‌ای که برای نمایشگاه‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی پیش‌بینی کرده بودیم اثر می‌گذارد و عملا هزینه‌ها و امکان اجرای برنامه‌ها را تغییر می‌دهد. بهتر است بگویم اکنون تلاش می‌کنیم چراغ موزه را روشن نگه داریم، چون معتقدیم در این شرایط چراغ فرهنگ و هنر نباید خاموش شود. جامعه نیاز دارد نفس فرهنگی بکشد و موزه در این زمینه نقش دارد. با همه دشواری‌ها باید فرصتی فراهم شود تا مردم از گنجینه هنر بهره ببرند و درباره مسائل و موضوعات مختلف به تامل بپردازند.

■ در دوره مدیریت شما، چه تغییراتی در سیاستگذاری فرهنگی و ارتباط با مخاطبان، باعث افزایش حضور و دیده شدن موزه شده است؟

درباره میزان تغییر و دیده شدن موزه بهتر است دیگران قضاوت کنند. من که درون این مجموعه هستم شاید نتوانم به‌خوبی آن را ارزیابی کنم. با این حال تلاش کردیم چند سیاست را دنبال کنیم که احتمالا موثر بوده‌اند، هرچند به نظرم هنوز نتوانسته‌ایم آنها را به طور کامل محقق کنیم. وقفه‌ها، تعطیلی‌ها، ناپیوستگی فعالیت‌ها و حتی تغییر مدیریت‌های مرتبط نیز تاثیر زیادی داشته‌اند.

یکی از تلاش‌های ما این بود که موزه هنرهای معاصر را به موزه‌ای برای همه هنرهای معاصر تبدیل کنیم. به همین دلیل برای حوزه‌هایی مانند موسیقی نیز امکان فعالیت فراهم کردیم و کوشیدیم موزه به محلی برای گفت‌وگو تبدیل شود. موزه باید بپذیرد که نهادی اجتماعی و متعلق به همه جامعه است. برای همین نشست‌ها و رویدادهایی ترتیب دادیم تا افراد و سلیقه‌های مختلف امکان حضور داشته باشند. درهای موزه را بازتر کردیم تا هم میزبان نشست‌ها و دیدگاه‌های گوناگون باشد و هم خودمان از ظرفیت‌های مختلف استفاده کنیم.

از طرف دیگر، در برنامه‌ریزی تلاش کردیم به گنجینه ایرانی و خارجی، رسانه‌ها و شیوه‌های جدید هنری و فعالیت‌های بین‌المللی توجه کنیم. همچنین موضوع نمایشگاه‌ها را با شرایط اجتماعی زمان برگزاری آنها مرتبط ببینیم. در شیوه اجرا نیز کوشیدیم نمایشگاه‌ها روایت‌محور و تعاملی باشند و به سلیقه‌های متفاوت پاسخ دهند.

نسل جوان امروز در تجربه، علاقه‌مندی و نوع ارتباط با هنر با نسل‌های دیگر تفاوت دارد و وقتی به موزه می‌آید انتظار دیگری دارد. نمی‌توان از همه مخاطبان انتظار رفتار و تجربه یکسان داشت. اگر موزه نهادی عمومی است، باید به کودک، خانواده، متخصصان و همچنین افراد نابینا و دارای معلولیت فکر کند و امکان حضور و استفاده آنها را فراهم سازد. ما فعالیت‌های کودک را افزایش دادیم، برای دسترس‌پذیری افراد دارای معلولیت اقداماتی انجام دادیم و همکاری با حوزه‌های مختلف را گسترش دادیم تا حضور اجتماعی موزه بیشتر شود.

جالب است که به نظرم بخش عمده دیده شدن موزه نتیجه تبلیغات خود ما نبوده است. مخاطبان در نمایشگاه‌هایی مانند پیکاسو، زنان، عکاسی و هنر و جنگ، خودشان بیشترین محتوا را تولید کرده‌اند. ما محتوا و فرصت مواجهه را فراهم می‌کنیم و مخاطبان براساس علاقه و نگاه خود از آن روایت می‌سازند. همین اتفاق به تبدیل شدن موزه به جامعه‌ای متکثر و گفت‌وگومحور کمک می‌کند.

وقتی فیلمی ساخته می‌شود، نمایشی روی صحنه می‌رود یا موسیقی‌ای اجرا می‌شود، منتقدان درباره آن بحث می‌کنند و ادبیات انتقادی شکل می‌گیرد. موزه هم که نهادی فرهنگی، هنری و اجتماعی است باید چنین نقشی ایفا کند. قرار نیست موزه همیشه خودش سخن بگوید؛ می‌تواند تلنگر بزند، موضوعی را یادآوری کند و اجازه دهد دیگران درباره آن گفت‌وگو کنند. وقتی نمایشگاهی درباره هنر زنان برگزار می‌کنیم، قرار نیست مدام از آن دفاع یا آن را توجیه کنیم. موضوع را مطرح می‌کنیم تا منتقدان از زاویه‌های مختلف بررسی‌اش کنند. درباره پیکاسو و موضوعاتی مانند هویت ایرانی و نسبت آن با هنر مدرن و معاصر ایران نیز همین نگاه را داریم. موزه با هر نمایشگاه پرسشی مطرح می‌کند و باید در برابر پاسخ‌ها و نقدها صبور و شنونده باشد. وقتی تنوع دیدگاه‌ها افزایش می‌یابد، نباید انتظار داشته باشیم همه از ما تعریف کنند. ممکن است عده‌ای برنامه‌ها را نپسندند یا با سیاستگذاری موزه مخالف باشند. این نقدها مانند چکش‌کاری به روشن‌تر شدن مسائل و جا افتادن تجربه‌های تازه کمک می‌کنند. در آغاز، برخی در داخل و خارج موزه با برنامه‌های کودک مخالف بودند و می‌گفتند موزه جای کودکان نیست. درباره موسیقی هم انتقادهایی مطرح بود و گمان می‌کردند موسیقی جای هنرهای تجسمی را تنگ می‌کند. جالب اینکه برخی منتقدان حتی برنامه‌ها را ندیده بودند و نمی‌دانستند اینها رویدادهای جانبی‌اند، نه جایگزین ماموریت اصلی موزه. مگر موزه از ابتدا سینماتک و برنامه سینمایی نداشته است؟ آیا سینما جای فعالیت‌های دیگر را گرفته است؟ هرکدام از این حوزه‌ها نقش خود را دارند و به فهم بیشتر موضوع کمک می‌کنند.

قرار نیست موزه همیشه خودش سخن بگوید؛ می‌تواند تلنگر بزند موضوعی را یادآوری کند و اجازه دهد دیگران درباره آن گفت‌وگو کنند

■ برای تداوم برنامه‌های کودک و نوجوان و مشارکت نسل جوان چه برنامه‌ای دارید؟

این فعالیت‌ها باید به صورت مرحله‌ای و پیوسته پیش بروند. لازم است برنامه‌ها را اجرا و آزمایش کنیم، بازخورد بگیریم، برنامه‌های موفق را نگه داریم و بخش‌هایی را که نیاز به اصلاح دارند بهتر کنیم. برای نمونه، با یک ناشر و تولیدکنندگانی گفت‌وگو کرده‌ایم و تولید کتاب کودک بر اساس آثار موزه را دنبال می‌کنیم. تولید دو بازی نیز در برنامه است. همچنین تصمیم داریم هر نمایشگاه، به شکلی متناسب با موضوع خود، برنامه و کارگاه ویژه کودکان داشته باشد.

سال گذشته کانون جوانان را راه‌اندازی کردیم و گروهی از نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله عضو آن شدند. آنها به عنوان همیار موزه فعالیت می‌کنند. برای شان برنامه‌های آموزشی گذاشته‌ایم و تلاش می‌کنیم در فعالیت‌ها از مشارکت شان بهره ببریم. در یکی از نمایشگاه‌های پیشین، راهنمایان داوطلب داشتیم تا جوانان در محیط موزه تجربه کسب کنند. حضور آنها به ما کمک می‌کند سلیقه‌ها و انتظارهای این نسل را نیز بهتر بشناسیم.

در حال راه‌اندازی کانون هنر و هوش مصنوعی هستیم تا نسل جدیدی که با این حوزه کار می‌کند بتواند آن را به عنوان موضوعی تازه دنبال کند. کانون موسیقی معاصر را نیز فعال کرده‌ایم و فعالیت‌های موسیقی در جریان است. امیدواریم کانون معماری را هم فعال کنیم. اگر وزارت ارشاد و مدیران بالادستی همراهی کنند، به تدریج می‌توان این فعالیت‌ها را در ساختار موزه تثبیت کرد. به نظرم این برنامه‌ها باید به استقلال و پشتوانه ساختاری برسند تا فقط جرقه‌هایی کوتاه‌مدت نباشند و تداوم پیدا کنند. موزه با فعالیت پیوسته است که می‌تواند نقش آموزشی واقعی ایفا کند. اگر چند سال با کودکان، نوجوانان و جوانان کار کنیم، می‌توانیم جریان‌سازی کنیم و نسلی را پرورش دهیم که از دل آن هنرمند و موزه‌دار بیرون بیاید. در عین حال موزه برای آنها به بخشی از خاطره و حافظه‌شان و مکانی دوست داشتنی تبدیل می‌شود؛ جایی که خودشان هم بعدها در گسترش فعالیت‌هایش نقش خواهند داشت.

■ وقتی صحبت از حضور و مشارکت کودکان و نوجوانان می‌شود، همیشه دغدغه‌ای مطرح است و آن هم دسترسی محدود این گروه‌های سنی به این منابع در استان‌ها و شهرهای غیر از پایتخت است. برای این موضوع راهکاری وجود دارد؟

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی سال‌های گذشته راه‌اندازی شبکه‌ای از موزه‌های هنر معاصر را در شهرستان‌ها دنبال کرده است. اکنون حدود هفت موزه در شهرستان‌ها در حال راه‌اندازی است که می‌توانند همراه با موزه هنرهای معاصر تهران شبکه‌ای از موزه‌ها را تشکیل دهند.

از سوی دیگر، به نظرم موزه هنرهای معاصر تهران، در جایگاه موزه مادر و فارغ از نگاه فقط دولتی، باید قانون‌گذاران را به توسعه موزه‌های هنری منطقه‌ای، استانی و محلی ترغیب کند. هر منطقه ظرفیت‌های خاص خود را دارد و در یک شبکه می‌توان میان موزه‌ها تبادل برقرار کرد، آثار را به موزه‌های استانی امانت داد یا نمایشگاه‌هایی به مناطق مختلف فرستاد. هر منطقه نیز می‌تواند به مرکزی برای پوشش استان‌های پیرامون خود تبدیل شود. امیدوارم بتوانیم به راه‌اندازی موزه سیار هم برسیم تا برای شهرستان‌ها و کودکان امکان دیدن آثار و نمایشگاه‌های ادواری فراهم شود.

■ این موزه‌های استانی زیرمجموعه موزه تهران خواهند بود یا در قالب یک شبکه مستقل همکاری می‌کنند؟

قرار نیست لزوما زیرمجموعه موزه تهران باشند؛ تصمیم درباره ساختار اداری آنها با وزارتخانه است، اما می‌توانند در شبکه همکاری ما حضور داشته باشند. خوشبختانه در کنار موزه‌های دولتی، بانک‌ها نیز موزه‌های هنر معاصر راه‌اندازی کرده‌اند و موزه‌های خصوصی هم شکل گرفته‌اند. موزه هنرهای معاصر تهران باید متناسب با جایگاهش نقش ملی و نقش موزه مادر را برای این مجموعه‌ها ایفا کند.

■ به عنوان سوال پایانی، در افق چند سال آینده، دوست دارید کدام دستاوردها از دوره مدیریت شما باقی بماند؟

پنج سال افق طولانی‌ای است و در این شرایط کشور نمی‌توان تضمین کرد که یک مدیر پنج سال در مسئولیتش بماند. با این حال دو موضوع برایم اهمیت دارد. نخست، استانداردسازی و توسعه مخازن است. دوم، تغییر ذهنیت نسبت به موزه هنرهای معاصر؛ اینکه موزه بتواند تصویری درست از هویت موزه‌ای خود ارائه کند و جایگاهش را تثبیت کند. تحقق همین هدف اتفاق مهمی خواهد بود.



موزه باید بپذیرد که نهادی اجتماعی و متعلق به همه جامعه است

شماره نخست این گفت‌وگو را اینجا بخوانید



سیف‌الله مرادی، معاون توسعه مدیریت دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی خبر داد
اجرای پروژه نوسازی بیمارستان طرفه با هدف ارتقای تامین ایمنی بیماران

وام نوسازی خودرو فرسوده دقیقا به چه کسانی تعلق می‌گیرد؟

سردرگمی مالکان از وعده تا واقعیت



درحالی که طی ماه‌های گذشته شاهد اظهارنظرهای مختلفی درراستای پرداخت تسهیلات کلان برای نوسازی ناوگان فرسوده بودیم، اما طبق گفته یکی ازمسئولان ذی‌ربط سهم مالکان خودروهای سواری شخصی ازاین وام‌های میلیاردی عملا صفراست و به نظرمی‌رسد خبرهای رسمی و واقعیت‌های اجرایی متفاوت بوده و همین امر مالکان را با سرگردانی مواجه کرده است.

چند ماه است که مسئولان از پرداخت تسهیلات چند صد میلیون تومانی تا چند میلیاردی برای نوسازی ناوگان فرسوده خبرمی‌دهند، اما همچنان به‌صورت رسمی و شفاف اعلام نشده که این وام‌ها به کدام دسته از وسایل نقلیه تعلق می‌گیرد که متعاقب آن بسیاری از مالکان خودروهای فرسوده میان خبرهای کلی درباره «وام نوسازی» و واقعیت طرح‌های اجرایی سردرگم مانده و نمی‌دانند مشمول تسهیلات بانکی هستند یا تنها باید به ارزش لاشه و گواهی اسقاط خودروی خود بسنده کنند.

ازسوی دیگر، آنچه ازاظهارات پراکنده متولیان برمی‌آید، حاکی ازآن است که این تسهیلات برخلاف تصورعمومی، شامل همه خودروهای فرسوده نمی‌شود. درطرح نوسازی وانت‌های فرسوده، مالکان ازیک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان تسهیلات بانکی و ۳۰۰ میلیون تومان یارانه اسقاط بهره‌مند می‌شوند و ارزش لاشه خودروی آنها نیزبین ۴۰ تا ۶۰ میلیون تومان برآورد شده است.

برای اتوبوس‌های فرسوده تسهیلات ۱۵ میلیارد تومانی، برای تاکسی‌های برقی تهران وام یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومانی و برای موتورسیکلت‌های شاغل در پلتفرم‌ها تسهیلات کم بهره تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان اعلام شده و حتی دربرخی اخبار و گفته مسئولان صحبت ازتسهیلات ۴۰۰ میلیون تومانی برای خودروهای فرسوده بود که مورد آخرهمچنان باابهام روبه‌رو است.

به گفته مدیرستاد نوسازی ناوگان و اسقاط خودروهای فرسوده، مالکان موتورسیکلت‌هایی که وسیله فرسوده خود را با نمونه برقی جایگزین کنند نیز ۱۴۰ میلیون تومان یارانه از محل گواهی اسقاط دریافت می‌کنند و هدف‌گذاری امسال خروج ۲۰ هزار موتورسیکلت فرسوده و برنامه سال آینده خروج ۱۲۰ هزار دستگاه اعلام شده است.

اما ابهام اصلی برای بخش بزرگی از مردم، یعنی مالکان خودروهای سواری شخصی فرسوده، همچنان پابرجاست. بر اساس توضیحات مطرح‌شده درباره طرح فعلی، برای این خودروها وام مستقیم بانکی تعریف نشده و حمایت پیش بینی شده صرفا شامل ارزش اقتصادی اسقاط و امتیاز خرید است؛ یعنی مالک خودروی سواری شخصی، برخلاف مالک وانت، تاکسی و موتورسیکلت پلتفرمی، لزوما مشمول وام نوسازی نمی‌شود.

در این رابطه، محمدحسین گودرزی، نایب رئیس انجمن صنفی مراکز اسقاط خودروی کشور درگفت‌وگو با «ایسنا» گفت: متاسفانه شاهد آن هستیم که درباره تسهیلات نوسازی خودروهای فرسوده به صورت کلی صحبت می‌شود و اعلام اعطای تسهیلات به تمام گروه‌های وسایل نقلیه واقعی نیست و نوعی آمارسازی نادرست به شمار می‌رود.

وی افزود: طبق قانون، منابع حاصل ازعوارض ۱.۵ درصدی که به‌صورت نقدی دریافت و به میزان ۱۲ هزار میلیارد تومان (۱۲ همت) در صندوق صحا جمع‌آوری شده و قرار بود در قالب وام‌های کم بهره به مالکان خودروهای فرسوده پرداخت شود شفاف سازی صورت نگرفته و سرنوشت آن پس از چند سال همچنان در ابهام است و حتی تاکنون یک نفر از مالکان خودروهای شخصی از این منابع استفاده نکرده و در سال جاری نیز حتی یک ریال هم تسهیلات نوسازی به آنها پرداخت نشده است. ممکن است تسهیلاتی برای ناوگان حمل‌ونقل عمومی از جمله تاکسی‌ها و اتوبوسرانی پرداخت شده باشد، اما سهم اصلی خودروهای فرسوده کشور در گروه سواری شخصی است که از این تسهیلات بهره‌ای نبرده‌اند.

اینجاست که اشکال اطلاع‌رسانی آشکار می‌شود؛ اعلام رقم‌های بزرگ با عنوان واحد «تسهیلات نوسازی خودروهای فرسوده»، بدون تفکیک نوع وسیله نقلیه، نوع حمایت، نرخ سود و مدت بازپرداخت، به جای روشنگری، بر ابهام می‌افزاید. به عبارت دیگر، جمع یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان تسهیلات، ۳۰۰ میلیون تومان یارانه اسقاط و ۴۰ تا ۶۰ میلیون تومان ارزش لاشه در افکار عمومی به عنوان مبلغی تلقی می‌شود که مالک خودروی فرسوده یکجا دریافت می‌کند؛ درحالی که هربخش ازاین ارقام سازوکار و شرط جداگانه‌ای دارد.

همچنین سیاست اطلاع رسانی دوگانه نیز خود بر ابهام موضوع افزوده است؛ وقتی از «وام نوسازی خودروهای فرسوده» سخن گفته می‌شود، بسیاری از مردم تصور می‌کنند این تسهیلات شامل حال آنها نیز می‌شود؛ اما درزمان اجرا روشن می‌شود وام‌های بانکی عمدتا به مالکان وانت، تاکسی‌ها، بهره برداران ناوگان عمومی، مالکان اتوبوس و موتورسیکلت سواران پلتفرمی اختصاص دارد و چنین فاصله‌ای میان وعده عمومی و دامنه واقعی اجرا، هم انتظار می‌سازد و هم نارضایتی!

بنابراین تا زمانی که این ابهام برطرف نشود، پرسشی که مالک خودروی فرسوده با آن روبه‌رو است؛ بی‌پاسخ می‌ماند: آیا برای خودروی من وام نوسازی وجود دارد یا فقط ارزش لاشه و گواهی اسقاط به من تعلق می‌گیرد؟ و برای یافتن پاسخ این پرسش نباید در لابه‌لای مصاحبه‌های پراکنده مسئولان گم شویم.

در نهایت لازم است که در مرحله نخست وزارت صمت به عنوان متولی اصلی این موضوع و پس از آن سازمان گسترش و نوسازی و متعاقبا بانک‌های عامل یک جدول رسمی و یکپارچه منتشر کنند که در آن نوع وسیله نقلیه، گروه مشمول، مبلغ یارانه، مبلغ وام، نرخ سود، مدت بازپرداخت، شرایط دریافت و سهم مالک از هزینه خودروی جایگزین به روشنی مشخص باشد چراکه اعلام هدف‌های بزرگ بدون تشریح منابع مالی و شرایط اجرایی، تنها به بی‌اطلاعی عموم مردم از حقوق خود دامن می‌زند و به کمترشدن خودروی فرسوده در ناوگان حمل و نقل کمکی نمی‌کند.

ازقاب تلویزیون تا دوربین تلفن همراه در جست‌وجوی افراد

گمشده‌هایی که چشم‌انتظار پیدا شدن هستند



۱۸ سال گذشت تا عادل دوباره پیدا شود؛ ۱۸ سالی که برای خانواده‌اش با یک سوال تکراری گذشت: «عادل کجاست؟» زمانی نه شبکه‌های اجتماعی وجود داشتند، نه تلفن‌های هوشمند و نه امکان انتشار فوری یک تصویر درهزاران صفحه. تلویزیون بود و چند دقیقه پخش عکس‌هایی که شاید آخرین امید خانواده‌ها برای پیدا کردن عزیزان‌شان بود. حالا اما یک فیلم کوتاه ازمراسم عزاداری درآسایشگاهی درقم، پس از ۱۸ سال یک خانواده را به فرزندش رسانده است.

به گزارش «آگاه»، دهه ۶۰ ساعت حدود چهار بعدازظهر خیلی‌ها چشم ازتلویزیون برنمی‌داشتند. برنامه‌ای پخش می‌شد که شاید کابوس خیلی از بچه‌های آن سال‌ها بود؛ «گمشده‌ها». چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشید. نه مجری داشت، نه دکور رنگارنگ و نه موسیقی و هیجان. فقط چند عکس بود و چند خط نوشته. عکس‌هایی که یکی‌یکی روی صفحه تلویزیون می‌آمدند ازبچه‌های دو، سه ساله تا پیرمردها و پیرزن‌هایی که با فراموشی و آلزایمر از خانه بیرون رفته و دیگر برنگشته بودند. گاهی هم تصویر جوانی روی صفحه ظاهر می‌شد. مثلا پسری ۲۲ ساله. آن وقت برایمان سوال بود که یک جوان ۲۲ ساله چرا باید گم شود؟ پدرو مادرهایی که کنارمان نشسته بودند، زیرلب چیزی می‌گفتند: «حتما از خانه فرارکرده.» جمله‌ها تقریبا شبیه هم بودند: «محمد پنج ساله در تاریخ ۶۸/۷/۵ درکرج از خانه خارج شده و تاکنون بازنگشته است. اگر خبری از او دارید اطلاع دهید و خانواده‌ای را از نگرانی برهانید.»

گاهی هم خانواده‌ها برای پیدا شدن عزیزشان مژدگانی تعیین می‌کردند. شاید همین چند خط و یک تصویر، تنها امیدشان برای رسیدن به خبری ازکسی بود که نمی‌دانستند کجاست، چه می‌کند و آیا اصلا زنده است یا نه. غیرازتلویزیون دربخش آگهی‌های روزنامه‌ها هم تصاویری ازافراد گمشده وجود داشت که خانواده‌ها اعلام می‌کردند شاید کسی روزنامه‌ای ورق زد و گمشده‌شان را پیدا کرد.

نمی‌دانیم از میان آن همه تصویری که در برنامه «گمشده‌ها» پخش شد یا در روزنامه‌ها انتشار یافت؛ چند نفر پیدا شدند. نمی‌دانیم چند خانواده با دیدن یک تماس تلفنی یا شنیدن یک خبر، دوباره به آرامش رسیدند و چند خانواده هنوز در انتظارند. اما می‌دانیم آن روزها تلویزیون برای بسیاری ازخانواده‌ها فقط یک رسانه نبود امیدی بود که هرروز در ساعتی مشخص روی صفحه ظاهر می‌شد. بعد از آن گاهی برنامه‌های تلویزیونی برای جذب مخاطب، گمشده‌ای را به خانواده‌ای می‌رساندند و تلاش می‌کردند با وصل کردن آن دو به هم برنامه‌ای جذاب بسازند. اما این اقدامات درراستای پیدا شدن افراد نبود.

حالا سال‌ها از آن روزها گذشته است. تلویزیون دیگر تنها رسانه‌ای نیست که می‌تواند تصویر یک فرد گمشده را به خانه‌ها ببرد. تلفن‌های هوشمند، شبکه‌های اجتماعی و دوربین‌هایی که تقریبا همه‌جا حضور دارند، شیوه پیدا کردن افراد را تغییر داده‌اند. البته این وظیفه ازرسانه ملی به بهزیستی و پلیس واگذار شد. بهزیستی شماره تلفن ۱۲۳ و پلیس شماره تلفن ۱۱۰ را برای اعلام این موضوع اعلام کرده‌اند. دراین میان انتشار تصاویر از افراد گمشده در تلفن‌های همراه هم به پیدا شدن افراد کمک کرده است. مانند اطلاع‌رسانی‌های وسیعی که درباره دختر چهار ساله اهل کردکوی گلستان انجام شد و خیلی از مردم در پی پیدا کردن او بودند و خوشبختانه بعد از چهارروز پیدا شد.

عادل درقاب یک تلفن همراه پیدا شد

۱۸ سال پیش، عادل مثل هرروز از خانه بیرون رفت، ولی اینبار برنگشت؛ پسری از مازندران که به دلیل معلولیت ذهنی، بیش از دیگران به مراقبت و همراهی نیاز داشت. درست ۱۸ سال گذشت تا اینکه در دو سه روز اخیر، یک فیلم کوتاه از مراسم عزاداری در روز شهادت حضرت فاطمه (س) در یک آسایشگاه در قم منتشر شد. میان جمعیت عزادار، چهره‌ای دیده می‌شد که برای خانواده‌ای در مازندران آشنا بود. آن تصویر، همان چیزی بود که خانواده سال‌ها انتظارش را می‌کشیدند، آن مرد میانسال همان عادل ۱۸ سال قبل بود.

این روزها دوربین تلفن‌های همراه، دوربین‌های نظارتی، گروه‌های محلی و شبکه‌های اجتماعی امکان دیده شدن تصاویر را بیشتر کرده‌اند. اما آیا این امکانات به معنای آسان‌تر شدن پیدا کردن افراد است؟ گسترده شدن امکان اطلاع‌رسانی، در کنار فرصت‌های تازه، خطرهایی هم به همراه آورده است. انتشار اطلاعات نادرست، پخش تصاویر قدیمی، ارائه سرنخ‌های جعلی و حتی سوءاستفاده از نگرانی خانواده‌ها، می‌تواند مسیر جست‌وجو را دشوارتر کند.

پلیس آگاهی تهران در همین زمینه تاکید کرده است که خانواده‌ها باید گم شدن افراد را در اسرع وقت به پلیس گزارش دهند و منتظر نتیجه جست‌وجوهای شخصی یا انتشار آگهی در فضای مجازی نمانند. نکته قابل توجه دیگر اینکه بیشترین پرونده‌های فقدان مربوط به اختلافات خانوادگی است. بنابراین هر ناپدید شدنی الزاما به معنای وقوع آدم‌ربایی یا یک حادثه جنایی نیست. گاهی اختلافات خانوادگی، مشکلات شخصی یا شرایط روحی افراد باعث می‌شود فردی خانه را ترک کند و برای مدتی ارتباطش با خانواده قطع شود. با این حال، تشخیص علت ناپدید شدن باید با بررسی و پیگیری انجام شود، نه با حدس و گمان اطرافیان.

در سال‌های اخیر، انتشار تصویر افراد گمشده در شبکه‌های اجتماعی به یکی از نخستین واکنش‌های خانواده‌ها تبدیل شده است. گاهی فیلمی از پدر یا مادری منتشر می‌شود که با چشمانی نگران از مردم می‌خواهند اگر خبری از فرزندشان دارند، اطلاع دهند. گاهی هم عکس و مشخصات فرد گمشده روی کاغذ چاپ می‌شود و درخیابان‌ها و معابر قرار می‌گیرد. این اقدامات شاید با نیت کمک‌خواهی انجام شود، اما باید پیامدهای احتمالی آن را هم درنظرگرفت. بنابراین اطلاع‌رسانی عمومی باید با هماهنگی و دقت انجام شود. انتشار مشخصات و تصاویر با تایید مراجع مسئول، توجه به صحت اطلاعات و خودداری از پرداخت پول به افراد ناشناس، ازنکاتی است که خانواده‌ها باید درنظر بگیرند.

سایت‌هایی که مثل قارچ به‌وجود آمدند

در سال‌های اخیر به دلیل مستاصل بودن افراد در پی گم کردن چیزی یا فردی، سایت‌های متعددی به‌وجود آمدند که کم نیستند. مثلا سامانه‌ای به نام سامانه ملی گمشدگان وجود دارد که اگرچه بخش مربوط به ثبت افراد گمشده را درج کرده اما گویا بیشتر در حوزه اشیای گمشده فعالیت دارد. مهم‌تر اینکه مشخص نیست این سامانه به کجا متصل است و چگونه فعالیت می‌کند، از این دست سامانه و سایت‌ها کم نیستند؛ سایت‌هایی که در پی یافتن گمشدگان هستند اما بیشتر از جنس اشیا. مثل ردیاب‌هایی که اتفاقا کمتر کسی در پی ثبت شیء گمشده در آنهاست. مانند سایت‌های ردیابی موبایل گمشده که هیچ وقت گره‌ای از مشکل باز نکرده‌اند و تنها فعالیت‌شان گرفتن هزینه نزدیک به یک میلیون تومانی برای ثبت مدل گوشی‌های موبایل است. حتی پلتفرم‌های فروش آنلاین نیز بخش مربوط به گم شدن حیوانات و اشیا دارد نه افراد. هنوزهم تنها راه معمول چاپ عکس و نوشتن آگهی ازفرد گمشده است. همچنان که امروزهم روی درو دیوار ساختمان‌ها و درختان پارک دانشجو در تهران و خیابان‌های شلوغ می‌توان این تصاویر را از مردها و زن‌های گمشده دید. سامانه دیگری نیز وجود دارد که در ایام اربعین و در مسیرهای پیاده‌روی گویای نام و مشخصات افراد یافت شده و گمشده است. این اطلاع‌رسانی معمولا به زبان فارسی درحرم ائمه در عراق نیز انجام می‌شود و اتفاقا افراد داوطلب بدون هزینه و درجهت انجام فعالیت‌های خیرخواهانه به دنبال وصل کردن گمشده‌ها و یابنده‌ها هستند.

اگر کسی گم شد، ازکجا باید شروع کرد؟

اولین و مهم‌ترین اقدام، گزارش فوری موضوع به پلیس است. نباید تصور کرد که فرد حتما تا چند ساعت دیگر بازمی‌گردد یا برای ثبت فقدان باید مدتی صبرکرد. به‌ویژه در مورد کودکان، سالمندان، افراد دارای معلولیت ذهنی یا کسانی که به دلیل بیماری ممکن است در تشخیص مسیر و مراقبت از خود مشکل داشته باشند، زمان اهمیت بیشتری دارد. همچنین بهتر است آخرین تماس‌ها، مسیرهای احتمالی رفت‌وآمد و مکان‌هایی که فرد به آنها مراجعه می‌کرده، بررسی شود. این اطلاعات می‌تواند به محدود شدن محدوده جست‌وجو کمک کند.

در کنار پیگیری پلیسی، اگر انتشار عمومی تصویر لازم باشد، بهتر است این کار با هماهنگی مراجع مسئول انجام شود تا اطلاعات نادرست یا جزئیات حساس، روند جست‌وجو را مختل نکند. اگرچه قصه عادل با پیدا شدنش به پایان یک انتظار رسید، اما همه قصه‌ها چنین پایانی ندارند. هنوز عکس‌هایی هستند که در آلبوم خانواده‌ها خاک می‌خورند، پرونده‌هایی که باز مانده‌اند و پدر و مادرهایی که با شنیدن هرزنگ تلفن، برای چند ثانیه امیدوار می‌شوند. شاید مهم‌ترین درس این بازگشت، فراموش نکردن گمشده‌ها باشد اینکه حتی اگر سال‌ها از ناپدید شدن کسی گذشته باشد، هنوز ممکن است تصویری در جایی، چهره‌ای در میان جمعیت یا نشانه‌ای کوچک، او را به خانه برگرداند.

هشدار پلیس درباره افراد گمشده



رئیس اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: برخی خانواده‌هایی که عزیزشان گم شده است، در فضای مجازی فیلمی منتشر یا آگهی‌هایی چاپ می‌کنند و در خیابان می‌چسبانند و متاسفانه این اقدام می‌تواند بسترمناسبی برای کلاهبرداری فراهم کند.

سرهنگ محمود ملکی، رئیس اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به اینکه در این اداره پیگیری پرونده افراد گمشده انجام می‌شود، اظهار داشت: گم شدن افراد علت‌های زیادی می‌تواند داشته باشد که شامل صغر سنی، کهولت سن، فریب و اغفال، آلزایمر و غیره می‌شود. وی با تاکید بر اینکه نکته مهم درخصوص فقدانی‌ها این است که به محض گم شدن شخص، خانواده باید سریعا به پلیس اطلاع دهد، یادآور شد: خانواده فرد مفقودشده به هیچ عنوان نباید ۲۴ ساعت صبرکنند، بلکه باید فورا به کلانتری مراجعه و فقدان را اعلام کنند تا درسیستم ثبت شود. کلانتری هم وظیفه دارد سریع موضوع را به پلیس آگاهی اعلام کند، چون بحث نفرو جان است.

گروه‌های پرخطر درمعرض گم شدن

رئیس اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ با اشاره به گروه‌های پرخطر گفت: کودکان زیر ۱۲ سال و سالمندان جزو گروه‌های پرخطر هستند، زیرا ممکن است مورد هرگونه سوءاستفاده قرار بگیرند یا حوادث مختلفی برای آنها رخ دهد. به همین دلیل به خانواده‌ها توصیه می‌کنم به هیچ‌وجه کودکان و به‌ویژه سالمندانی را که دچار بیماری‌های ذهنی مثل آلزایمر هستند، تنها در خیابان رها نکنند. وی با اشاره به ارتباط پلیس و سازمان بهزیستی افزود: اقدامات خوبی با سازمان بهزیستی استان تهران انجام داده‌ایم و به صورت آنلاین با عوامل بهزیستی در ارتباط هستیم تا عزیزانی که توسط اورژانس اجتماعی به سیستم منتقل می‌شوند، به ما اعلام شود تا خانواده‌ها را راهنمایی کنیم.

علت بیشترین پرونده‌های فقدانی

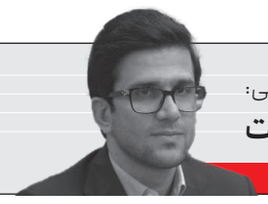
سرهنگ ملکی درباره علت بیشتر مفقودی‌ها گفت: بیشترین پرونده‌های مفقودی در پلیس مربوط به اختلافات خانوادگی است و وقتی مشکلات در خانه حل نمی‌شود، افراد از خانه خارج می‌شوند. مخصوصا بچه‌های طلاق که دچار سرخوردگی عاطفی می‌شوند و کمبود محبت دارند، از خانه خارج شده و گم می‌شوند و ممکن است در دام افراد سودجو بیفتند. وی دومین علت مفقودی‌ها را کهولت سن عنوان کرد که باعث گم شدن میانسالان می‌شود و ادامه داد: امیدواریم هموطنان از مراکزی که فراجا به عنوان مشاوره رایگان در نظر گرفته است استفاده کنند و برای حل مشکلات خانوادگی به این مراکز مراجعه کنند.

هشدار درباره آگهی افراد گمشده

رئیس اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره آگهی‌های پیدا کردن فرد گمشده بیان کرد: در برخی موارد شاهد هستیم که برخی خانواده‌هایی که عزیزشان گم شده است، در فضای مجازی فیلمی منتشر یا آگهی‌هایی چاپ می‌کنند و در خیابان می‌چسبانند. متاسفانه این اقدام می‌تواند بسترمناسبی برای کلاهبرداری فراهم کند.

وی توضیح داد: به این شکل که عده زیادی با این افراد تماس گرفته و مدعی می‌شوند از عزیزآنها خبردارند و درخواست پول می‌کنند.

خانواده نیز به امید اینکه نشانی از عزیزشان پیدا کنند، مبلغ را پرداخت می‌کند، اما خبری از فرد تماس‌گیرنده نمی‌شود و بعد از گرفتن پول ناپدید می‌شود که همین مسئله داغ خانواده را بیشتر نیز می‌کند. وی به خانواده افراد مفقودشده تاکید کرد: چاپ این آگهی را توصیه نمی‌کنم و شهروندان باید دقت کنند که این مسئله تخصصی را به پلیس واگذار کنند.



محمدصادق عظیمی‌فر، مدیرعامل شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی:

دولت تصمیم تازه‌ای برای بنزین نگرفته است

نمایشگاه سیتکس؛ دروازه ارتباط تهران با فناوری و نوآوری‌های شهری است

پیوند دانش‌بنیان‌ها با مسائل پایتخت



فناوری شهری زمانی می‌تواند به بهبود زندگی شهروندان منجر شود که از سطح نمایش دستاوردها و معرفی ابزارهای نوین فراتر برود و در حل مسائل واقعی شهر به کار گرفته شود. حمل‌ونقل، آلودگی هوا، مدیریت انرژی، پسماند، تامین مالی پایدار و ارائه خدمات عمومی، از جمله حوزه‌هایی هستند که مدیریت کلان شهرها برای اداره موثرتر آنها به راهکارهای فناورانه نیاز دارد. در چنین شرایطی، پیوند میان مدیریت شهری، شرکت‌های دانش‌بنیان، مجموعه‌های فناور و سرمایه‌گذاران می‌تواند زمینه‌ای برای تبدیل ایده‌ها و محصولات فناورانه به راه‌حل‌های قابل اجرا فراهم کند.

رویداد سیتکس با عنوان «ایران پیشرو» در تهران، با تمرکز بر همین پیوند شکل گرفته است؛ رویدادی که قرار است ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و مجموعه‌های فناور را در کنار نیازهای مدیریت شهری قرار دهد و مسیر همکاری میان این دو بخش را هموارتر کند. اهمیت چنین رویدادی تنها به معرفی محصولات و فناوری‌های جدید محدود نمی‌شود؛ مسئله اصلی آن است که آیا ظرفیت‌های موجود می‌توانند به پروژه‌های عملیاتی، قراردادهای اجرایی و تغییر در شیوه اداره شهر منجر شوند یا نه.

تهران به دلیل تمرکز بخش قابل توجهی از شرکت‌های دانش‌بنیان و فعالان اقتصاد فناوری، ظرفیت قابل توجهی برای ایفای نقش در این حوزه دارد. با این حال، وجود شرکت‌ها و محصولات فناورانه به‌تنهایی به معنای استفاده موثر از فناوری در اداره شهر نیست. میان نیازهای دستگاه‌های اجرایی و توان شرکت‌های فناور، گاهی فاصله‌ای وجود دارد که شناسایی مسئله، تعریف دقیق نیاز، ارزیابی راهکارها و ایجاد مسیر همکاری و سرمایه‌گذاری می‌تواند به کاهش آن کمک کند. در این چارچوب، رویداد «ایران پیشرو» تلاش دارد به جای محدود شدن به معرفی دستاوردهای پراکنده، بستری برای ارتباط میان نیازهای شهری و توان فناورانه کشور ایجاد کند. حضور شرکت‌های دانش‌بنیان، مجموعه‌های فعال در حوزه فناوری، نهادهای سرمایه‌گذاری و بنگاه‌های اقتصادی در این رویداد، از جمله ظرفیت‌هایی است که می‌تواند امکان شکل‌گیری همکاری‌های تازه را فراهم کند. محورهایی مانند حمل‌ونقل هوشمند، مدیریت انرژی، اقتصاد چرخشی، مدیریت پسماند و اقتصاد دیجیتال نیز نشان می‌دهد که تمرکز رویداد بر حوزه‌هایی قرار گرفته که با مسائل روزمره شهر و کیفیت زندگی شهروندان ارتباط مستقیم دارند.

تغییر رویکرد مدیریت شهری؛ از مصرف فناوری تا توسعه آن

بهزاد پایمرد، رئیس سازمان فناوری‌های نوین و نوآوری شهری شهرداری تهران، در نشست خبری این رویداد در تشریح اهداف و رویکردهای این رویداد گفت: هدف اصلی، ایجاد یک نظام منسجم برای حکمرانی فناوری و نوآوری در شهر تهران است؛ نظامی که بتواند مسائل شهر را شناسایی کند، ظرفیت متخصصان و شرکت‌های فناور را به کار بگیرد و زمینه فعالیت و توانمندسازی کسب‌وکارهای نوآور را فراهم آورد. وی افزود: فناوری باید در خدمت ارتقای کیفیت زندگی شهروندان قرار گیرد و استفاده از آن نباید صرفا به خرید تجهیزات یا به‌کارگیری ابزارهای جدید محدود شود. به گفته پایمرد، رویکرد مورد نظر این است که تهران از شهری مصرف‌کننده فناوری به شهری تبدیل شود که در آن فناوری توسعه پیدا می‌کند، تجاری‌سازی می‌شود، مورد آزمایش قرار می‌گیرد و امکان رشد و گسترش می‌یابد.

رئیس سازمان فناوری‌های نوین و نوآوری شهری تاکید کرد که این تغییر رویکرد مستلزم عبور از فعالیت‌های پراکنده و جزیره‌ای در حوزه فناوری است. وی ادامه داد: فناوری باید به یکی از پیشران‌های توسعه شهر تبدیل شود و در برنامه‌ریزی و اجرای ماموریت‌های مدیریت شهری جایگاه مشخصی داشته باشد. از این منظر، فناوری نه یک موضوع جانبی، بلکه ابزاری برای پاسخ‌گویی به مسائل و نیازهای شهر است. پایمرد با اشاره به ظرفیت موجود در تهران گفت: بیش از ۵۰ درصد شرکت‌های دانش‌بنیان کشور در این شهر مستقر هستند. به گفته وی، این تمرکز ظرفیت مهمی برای مدیریت شهری ایجاد می‌کند و می‌تواند زمینه استفاده از توان شرکت‌های داخلی را در حل مسائل تهران فراهم کند. او تاکید کرد که هدف، شناسایی این ظرفیت‌ها و فراهم کردن امکان حضور موثر آنها در پروژه‌های شهری است.

نقشه راه فناوری برای ماموریت‌های شهری

پایمرد با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای سامان‌دهی فعالیت‌های فناورانه گفت: طی یک سال و نیم گذشته، نقشه راه فناوری برای حوزه‌های مختلف ماموریتی شهرداری تدوین شده است. وی افزود: این نقشه راه با هدف مشخص کردن نیازها و اولویت‌ها و جهت دادن به ظرفیت‌های فناورانه به سمت مسائل اصلی شهر تهیه شده است.

به گفته رئیس سازمان، حمل‌ونقل هوشمند یکی از محورهای اصلی این برنامه است. مدیریت یکپارچه انرژی و مواجهه با ناترازی انرژی، اقتصاد چرخشی و مدیریت پسماند، اقتصاد دیجیتال در مدیریت شهری و تامین مالی پایدار شهری نیز از دیگر محورهایی هستند که در این چارچوب مورد توجه قرار گرفته‌اند. وی ادامه داد: این حوزه‌ها به دلیل ارتباط مستقیم با عملکرد شهر و زندگی شهروندان در اولویت قرار دارند و استفاده از فناوری در آنها می‌تواند به بهبود خدمات و افزایش کارآمدی مدیریت شهری کمک کند. پایمرد تاکید کرد که تدوین نقشه راه، گامی برای جلوگیری از پراکندگی فعالیت‌ها و ایجاد هماهنگی میان نیازهای مدیریت شهری و توان شرکت‌های فناور است.

حضور شرکت‌ها و ارزیابی طرح‌های فناورانه

رئیس سازمان فناوری‌های نوین و نوآوری شهری با اشاره به مشارکت مجموعه‌های فناور در رویداد گفت: بیش از ۱۰۰ شرکت دانش‌بنیان و مجموعه توانمند فعال در بخش دفاعی در این دوره حضور دارند. وی افزود: نهادهای سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌های بزرگ اقتصادی نیز در رویداد مشارکت کرده‌اند تا زمینه ارتباط میان صاحبان فناوری، سرمایه‌گذاران و بخش‌های متقاضی راهکارهای فناورانه فراهم شود. پایمرد با بیان اینکه استقبال شرکت‌ها فراتر از ظرفیت اولیه پیش‌بینی‌شده بوده است، اظهار کرد: بیش از هزار شرکت، طرح یا محصول خود را برای حضور در این فرآیند ارسال کرده‌اند. از میان آنها، حدود ۲۲۰ شرکت و محصول پس از عبور از معیارهای اولیه وارد مرحله ارزیابی و داوری شده‌اند. وی گفت: رقابت‌ها در سه حوزه حمل‌ونقل، مالی و فناوری‌های مالی و خدمات شهروندی تعریف شده است. به گفته او، هدف از این رقابت‌ها صرفا انتخاب طرح‌های برتر نیست، بلکه شناسایی راهکارهایی است که امکان استفاده و اجرای آنها در مجموعه مدیریت شهری وجود داشته باشد.

پایمرد درباره حمایت‌های در نظر گرفته‌شده برای برگزیدگان نیز توضیح داد: در هر حوزه، به نفر اول سه میلیارد تومان، نفر دوم دو میلیارد تومان و نفر سوم یک میلیارد تومان جایزه نقدی تعلق می‌گیرد. علاوه بر این، تسهیلاتی به ترتیب به میزان ۱۰، هفت و پنج میلیارد تومان برای رتبه‌های اول تا سوم پیش‌بینی شده است. وی تاکید کرد: هدف از در نظر گرفتن این حمایت‌ها، کمک به تجاری‌سازی محصولات و فراهم کردن زمینه ورود آنها به فرآیندهای اجرایی و قراردادهای مدیریت شهری است. بر این اساس، انتخاب طرح‌های برتر باید به ایجاد فرصت واقعی برای توسعه محصول و استفاده از آن در شهر منجر شود.

حمایت از ایده‌های جوانان و توسعه زیرساخت‌های نوآوری

رئیس سازمان فناوری‌های نوین و نوآوری شهری در بخش دیگری از سخنان خود به برنامه «بذر طلایی» که مخصوص نوجوانان است، اشاره کرد و گفت: در این بخش حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ ایده و طرح دریافت شده و ۴۰ تیم به مرحله نهایی راه یافته‌اند. وی افزود: تیم‌های برگزیده در مراسم اختتامیه معرفی خواهند شد.

پایمرد همچنین از برنامه‌هایی برای گسترش آموزش و مهارت‌آموزی فناورانه در محله‌ها و مدارس خبر داد و گفت: ایجاد خانه‌های علم و فناوری در مراکز محله و راه‌اندازی فب‌لب‌ها و فب‌کیدزهای سیار در مدارس از جمله اقداماتی است که با هدف تقویت مهارت‌های ساخت، خلاقیت و کارآفرینی در میان دانش‌آموزان و جوانان دنبال می‌شود. وی با تاکید بر اهمیت پرورش نیروی انسانی افزود: توسعه فناوری تنها به شرکت‌ها و تجهیزات وابسته نیست و باید زمینه آشنایی نسل جوان با مهارت‌های نوآورانه و توانایی تبدیل ایده به محصول نیز فراهم شود.

دوقلوی دیجیتال تهران و فناوری‌های راهبردی

پایمرد در تشریح پروژه‌های فناورانه مدیریت شهری، دوقلوی دیجیتال تهران را یکی از طرح‌های شاخص معرفی کرد و گفت: این پروژه با هدف ایجاد تصویری دیجیتال و تحلیلی از شهر و کمک به مدیریت دقیق‌تر بخش‌های مختلف آن دنبال می‌شود.

وی افزود: ماژول‌های مرتبط با ترافیک، انرژی، اقلیم و وضعیت آب‌وهوا، مدیریت سیلاب و آبیاری هوشمند در این پروژه مورد توجه قرار گرفته‌اند. به گفته او، استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و تحلیل داده‌ها نیز بخشی از ظرفیت‌های این طرح است و می‌تواند اطلاعات لازم را برای شناخت بهتر وضعیت شهر و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف فراهم کند.

رئیس سازمان فناوری‌های نوین و نوآوری شهری همچنین به فناوری‌های راهبردی مورد توجه اشاره کرد و گفت: هوش مصنوعی، پلاسما، مواد پیشرفته و رباتیک از جمله حوزه‌هایی هستند که ظرفیت بالایی برای توسعه و استفاده در ماموریت‌های شهری دارند.

از نمایش فناوری تا حل مسائل واقعی شهر

رویداد سیتکس با عنوان «ایران پیشرو» را می‌توان تلاشی برای پیوند دادن ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و مجموعه‌های فناور با نیازهای واقعی مدیریت شهری دانست؛ تلاشی که با تدوین نقشه راه فناوری، شناسایی اولویت‌های شهری، ارزیابی طرح‌های نوآورانه و حمایت از محصولات برگزیده دنبال می‌شود. پروژه‌هایی مانند دوقلوی دیجیتال تهران و توجه به فناوری‌هایی همچون هوش مصنوعی و رباتیک نیز نشان‌دهنده تلاش برای استفاده گسترده‌تر از فناوری در اداره پایتخت است.

با این حال، موفقیت این رویکرد به نتایج عملی آن وابسته است، نه صرفا تعداد شرکت‌های حاضر یا طرح‌های معرفی‌شده. ورود محصولات فناورانه به پروژه‌های اجرایی، انعقاد قرارداد با شرکت‌های دانش‌بنیان و تاثیر ملموس آنها بر بهبود خدمات و کیفیت زندگی شهروندان، معیارهای اصلی سنجش دستاوردهای این رویداد خواهند بود. سیتکس زمانی می‌تواند به نقطه عطفی در نوآوری شهری تبدیل شود که ارتباط میان مدیریت شهری و زیست بوم فناوری از یک رویداد مقطعی فراتر برود و به همکاری مستمر برای حل مسائل تهران تبدیل شود.

آلودگی هوا یکی از مهم‌ترین معضلات زیست‌محیطی

خودروهای فرسوده همچنان در صدر عوامل آلودگی هوا

بارش‌های امسال امید به کاهش گردوغبار را افزایش داده، اما خودروهای فرسوده و صنایع همچنان از عوامل اصلی آلودگی هوا هستند.

به گزارش «مهر» آلودگی هوا در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین معضلات زیست‌محیطی و دغدغه‌های جدی سلامت عمومی در کشور تبدیل شده است؛ معضلی که هر سال با آغاز فصل سرد و افزایش پایداری جو، بار دیگر بسیاری از کلان‌شهرها را درگیر می‌کند و نفس کشیدن را برای شهروندان دشوار می‌سازد. افزایش تردد خودروها، فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل، کیفیت نامناسب سوخت و انتشار آلاینده‌ها از سوی واحدهای صنعتی، در کنار پدیده گردوغبار، از جمله عواملی هستند که بر کیفیت هوای کشور تاثیر می‌گذارند.

در چنین شرایطی، کنترل منابع انتشار آلاینده، نوسازی خودروهای فرسوده، ارتقای کیفیت سوخت و مدیریت کانون‌های گردوغبار به ضرورتی جدی تبدیل شده است؛ موضوعی که تحقق آن نیازمند برنامه‌ریزی مستمر و همکاری همه دستگاه‌های مسئول است. در همین راستا صدیقه ترابی، معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست، آخرین وضعیت آلودگی هوا، اقدامات انجام‌شده برای مهار گردوغبار و برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای کنترل منابع آلاینده را تشریح کرد.

دو نیمه سال و دو چهره متفاوت آلودگی هوا

ترابی با اشاره به تفاوت عوامل موثر بر آلودگی هوا در نیمه نخست و دوم سال اظهار کرد: آلودگی هوا در دو نیمه سال باید به شکل متفاوتی بررسی شود؛ به‌طوری که در نیمه نخست سال بیشتر با موضوع گردوغبار مواجه هستیم، اما در نیمه دوم سال سایر منابع آلاینده هوا اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. وی با اشاره به تجربه سال‌های گذشته افزود: در سال‌های گذشته به دلیل خشکسالی شدید، افزایش وقایع گردوغبار و آلودگی ناشی از ذرات را شاهد بودیم، اما امسال با توجه به بارش‌های مناسب در اغلب نقاط کشور، انتظار داریم تعداد این وقایع کاهش پیدا کند.

مقابله با گردوغبار با مشارکت چند دستگاه

معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست درباره اقدامات انجام‌شده برای کنترل پدیده گردوغبار گفت: ستاد ملی گردوغبار با محوریت سازمان حفاظت محیط زیست تشکیل شده و دستگاه‌هایی مانند سازمان منابع طبیعی، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان هواشناسی و وزارت بهداشت در آن همکاری دارند. ترابی ادامه داد: هر سال اعتباری برای شناسایی و تثبیت کانون‌های مستعد گردوغبار اختصاص می‌یابد تا اقدامات لازم برای کنترل و مهار این کانون‌ها انجام شود. وی با تاکید بر اینکه منشا همه گردوغبارهای کشور داخلی نیست، تصریح کرد: بخشی از کانون‌های گردوغبار منشا داخلی و بخشی نیز منشا منطقه‌ای و خارج از کشور دارند. همچنین فعالیت‌های صنعتی و تخریب سرزمین نیز می‌تواند در تشدید این پدیده موثر باشد.



خودروهای فرسوده؛ یکی از گره‌های اصلی آلودگی هوا

ترابی با اشاره به ضرورت کنترل منابع متحرک آلاینده اظهار کرد: در این بخش، موضوع سوخت و وسایل نقلیه اهمیت زیادی دارد و باید اسقاط خودروهای فرسوده که مصرف سوخت و آلایندگی بالایی دارند، با جدیت دنبال شود. به گفته وی، مدیریت منابع متحرک و کاهش آلایندگی خودروها از جمله محورهای مهمی است که باید در برنامه‌های کنترل آلودگی هوا مورد توجه قرار گیرد.

سوخت پاک؛ ضرورتی که هنوز به نقطه مطلوب نرسیده است

معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست همچنین استفاده از سوخت پاک را یکی دیگر از الزامات کاهش آلودگی هوا دانست و گفت: در زمینه استفاده از سوخت پاک هنوز به شرایط مطلوب نرسیده‌ایم، اما امیدواریم در بازه زمانی کوتاه بتوانیم در این زمینه به نتایج بهتری دست پیدا کنیم. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که کیفیت سوخت در کنار وضعیت ناوگان حمل‌ونقل، از موضوعات مهم در مدیریت آلایندگی منابع متحرک به شمار می‌رود و بهبود آن می‌تواند در کاهش انتشار آلاینده‌ها موثر باشد.

صنایع آلاینده زیر ذره‌بین استانداردهای زیست‌محیطی

ترابی در ادامه با اشاره به منابع ثابت آلاینده خاطرنشان کرد: شناسایی منابع ثابت و الزام آنها به رعایت استانداردهای آلایندگی نیز از دیگر اقداماتی است که در راستای مدیریت آلودگی هوا دنبال می‌شود.

معاون محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست همچنین با اشاره به وضعیت پایتخت گفت: تهران یکی از آلوده‌ترین شهرهای کشور است. اگرچه بارش‌های مناسب امسال می‌تواند تا حدی از شدت گردوغبار بکاهد، اما حل پایدار معضل آلودگی هوا همچنان به اجرای جدی برنامه‌های کنترلی، همکاری دستگاه‌های مسئول و نظارت مستمر بر منابع انتشار آلاینده وابسته است.

محدودیت سه‌ساله ساخت‌وساز در تهران قیمت مسکن کشور را افزایش می‌دهد



عضو شورای شهر تهران با انتقاد از مصوبه محدودیت ساخت‌وساز در پایتخت، آن را تصمیمی شتاب‌زده دانست و خواستار توقف ابلاغ و اجرای آن و بازنگری با مشارکت مدیریت شهری شد.

به گزارش «آگاه» حجت‌الاسلام سیدمحمد آقامیری، عضو شورای اسلامی شهر تهران، با انتقاد از تصویب مصوبه محدودیت ساخت‌وساز در پایتخت، بی‌توجهی به نظرات شوراهای شهر تهران و کرج و استفاده نکردن از ظرفیت کارشناسی شهرداری تهران را از ایرادات اصلی این تصمیم دانست و خواستار توقف اجرای آن شد.

آقامیری با اشاره به ضرورت دریافت نظرات نهادهای مرتبط پیش از اتخاذ تصمیمات مهم شهری اظهار کرد: روال بررسی چنین موضوعاتی باید از پایین به بالا باشد و نظرات مدیریت شهری و مجموعه‌هایی که مستقیما با مسائل شهر در ارتباط هستند، پیش از تصمیم‌گیری نهایی بررسی شود. چرا مصوبه‌ای با این اهمیت بدون دریافت نظر مشورتی شوراهای شهر تهران و کرج تصویب شده است؟

وی با تاکید بر ظرفیت کارشناسی شهرداری تهران افزود: شهرداری گزارش‌های مفصلی درباره سلامت شهروندان، آلودگی هوا، آسیب‌های اجتماعی، شبکه حمل‌ونقل و بحران‌های زیست‌محیطی در اختیار دارد و سیستم پایش شهری نیز می‌تواند اطلاعات جامعی ارائه کند؛ با این حال، شوراهای شهر به عنوان کنشگران اصلی مدیریت شهری در فرآیند مشورت درباره این مصوبه مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

ابهام در وضعیت تعاونی‌های مسکن و درآمدهای شهرداری

عضو شورای شهر تهران با اشاره به موضوع ممنوعیت سه‌ساله ساخت‌وساز در پایتخت گفت: باید مشخص شود تکلیف تعاونی‌های مسکن با این مصوبه چه خواهد شد. کمیسیون ماده پنج در موضوع تغییر کاربری املاک نقش موثری دارد و در مواردی که سطح اشغال زمین کاهش پیدا می‌کند، افزایش طبقات نیز در این کمیسیون مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخشی از درآمد شهرداری نیز از این محل تامین می‌شود و باید آثار این تصمیم بر این فرآیندها مشخص شود.

آقامیری با اشاره به مهلت ۶ ماهه شورای عالی شهرسازی و معماری برای تدوین ضوابط جدید اظهار کرد: باید دید این ضوابط با چه رویکردی تدوین می‌شوند و چه شرایطی را برای ساخت‌وساز در تهران تعیین خواهند کرد.

محدودیت ساخت‌وساز به‌جای حل مسئله مهاجرت

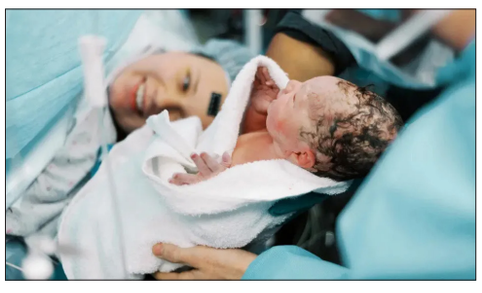
وی با انتقاد از رویکرد دولت در مواجهه با مهاجرت به تهران تصریح کرد: دولت کدام یک از طرح‌های خود برای جلوگیری از مهاجرت‌پذیری تهران را اجرا کرده است که اکنون به محدودیت ساخت‌وساز رسیده‌ایم؟ به جای حل مسئله و اجرای برنامه‌های مربوط به کنترل مهاجرت، با چنین تصمیمی صورت مسئله پاک می‌شود.

این عضو شورای شهر تهران همچنین با اشاره به برنامه‌ها و تکالیف دولت در حوزه مسکن افزود: این مصوبه باید از نظر همخوانی با طرح جوانی جمعیت، نهضت ملی مسکن و تکلیف صنعتی‌سازی ساختمان در تهران بررسی شود. در نهضت ملی مسکن، ساخت مجتمع‌های مسکونی و افزایش طبقات مورد توجه است و از سوی دیگر، برای صنعتی‌سازی ساختمان در تهران نیز سهم ۱۵ درصدی در نظر گرفته شده است. باید مشخص شود این برنامه‌ها چگونه با محدودیت‌های جدید ساخت‌وساز قابل جمع هستند.

هشدار درباره سرایت افزایش قیمت مسکن از تهران به کشور

آقامیری با هشدار نسبت به پیامدهای اقتصادی این تصمیم گفت: چنین تصمیمی می‌تواند موجب افزایش قیمت املاک و آپارتمان‌ها در تهران شود. این افزایش قیمت ابتدا در مناطق شمالی شهر خود را نشان می‌دهد و سپس به مناطق جنوبی، شهرهای اطراف و در نهایت به بازار مسکن در سراسر کشور سرایت می‌کند. وی در پایان با تاکید بر ضرورت بازنگری در مصوبه محدودیت ساخت‌وساز خاطرنشان کرد: این تصمیم شتاب‌زده بوده و بررسی کارشناسی ویژه و کافی درباره آن انجام نشده است. نخستین ایراد آن نیز بی‌توجهی به نظرات شوراهای شهر تهران و کرج و ظرفیت کارشناسی گسترده شهرداری تهران است. درخواست دارم ابلاغ و اجرای این مصوبه متوقف شود و موضوع با مشارکت مدیریت شهری و انجام بررسی‌های کارشناسی، مجددا مورد بازنگری اساسی قرار گیرد.

دریافت کامل حقوق مرخصی زایمان بدون نیاز به شکایت



با اقدامات پیشگیرانه دیوان عدالت اداری، مشکل برخی بیمه‌شدگان تامین اجتماعی در دریافت کامل حقوق و مزایای دوران مرخصی زایمان برطرف شد.

به گزارش «آگاه» با توجه به گستردگی جامعه مشمولان و ضرورت جلوگیری از تشکیل پرونده‌های غیرضروری، علاوه بر رسیدگی به شکایات مردم، پیگیری مشکلاتی را که زمینه‌ساز طرح دعوا در دیوان می‌شوند، در دستور کار قرار داده است.

در همین راستا، موضوع پرداخت حقوق و مزایای کامل مرخصی زایمان و تامین منابع مالی آن با پیگیری دیوان و همکاری دستگاه‌های مسئول، از جمله سازمان برنامه و بودجه، دنبال شد و در این زمینه کارگروه سه‌جانبه‌ای برای بررسی و رفع موانع تشکیل شد. در ادامه این پیگیری‌ها، سازمان تامین اجتماعی دستور اداری اجرای بند «الف» ماده (۱۷) قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت را صادر و به واحدهای اجرایی خود ابلاغ کرد. بر اساس این دستور، حقوق و مزایای کامل دوران مرخصی زایمان برای زایمان‌های یک‌قلو به مدت ۹ ماه و برای زایمان‌های دوقلو و بیشتر به مدت یک سال پرداخت می‌شود.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

روزنامه آگاه

روزنامه ۶۹۱

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

دوشنبه

۲۵ آبان ماه ۱۴۰۵

۶جمادی الثانی ۱۴۴۸ | ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۰۳
اذان ظهر	۱۱:۴۸
اذان مغرب	۱۷:۲۶
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۵

آیفون ۲۰ با گوشه‌های خمیده طراحی می‌شود

انتظار می‌رود اپل نام آیفون ۱۹ را برای سری بعدی موبایل‌های هوشمندش به کار نبرد و به مناسب بزرگداشت ۲۰ سالگی آیفون به سراغ سری بیستم این دستگاه برود.

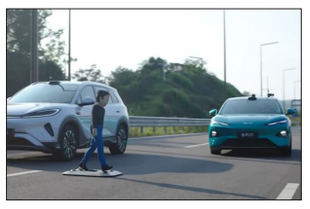
به نقل از گیزموچاینا، اکنون با توجه به گزارش‌های منتشر شده به نظر می‌رسد در بازطراحی آیفون استفاده وسیع از شیشه در اولویت قرار گرفته است به طوری که شیشه پشت و جلوی دستگاه در گوشه‌ها دارای خمیدگی است. نسخه‌های پرو و پرومکس این دستگاه به طور رمزی ۷۷۳ و ۷۷۴ نام گرفته‌اند.

اپل به طور معمول تصمیم‌ها درباره طراحی را قبل از عرضه نهایی می‌کند بنابراین مشاهده یک نمونه کاور شیشه‌ای فیزیکی واقعی در این مرحله، با جدول زمانی ساخت دستگاه همخوانی دارد. البته این امر به معنای آن نیست که طراحی مذکور نهایی شده است. اپل قبلا کانسپت‌های تمام شیشه‌ای بلندپروازانه‌ای را پس از آنکه در تست‌های مقاومت شکست خوردند، رد کرد. بنابراین تا زمان تایید امکان تغییرات دیگر نیز وجود دارد.

اگر طراحی خمیدگی در گوشه‌های دستگاه به مرحله تولید برسد، موبایل شکیل‌تر به نظر می‌رسد. در این میان گزارش‌هایی مبنی بر آن وجود دارد که برای نخستین بار پس از ۲۰۲۴ میلادی، اندازه نمایشگرها در سری ۲۰۲۷ به میزان قابل توجهی بزرگ‌تر می‌شود، به طوریکه اندازه آیفون پرو معمول به ۶.۴۱ اینچ خواهد بود و نسخه پرومکس به حدود ۶.۹۶ اینچ نزدیک‌تر می‌شود. یک پنل نمایشگر او ال ای دی درخشان‌تر و نازک‌تر از شرکت سامسونگ نیز به کار می‌رود.

نمایشگر با گوشه‌های خمیده یک طراحی چشمگیر در موبایل‌های پرچمدار اندروید بود اما بعدا بیشتر برندها این ترند را به دلیل بروز مشکلاتی رها کردند.

گریز خودروی خودران چینی از تصادف با «چشم خدا»



سیستم فرمان اضطراری خودروی خودران و برقی BYD به آن کمک می‌کند تا از موقعیت‌های با احتمال بالای تصادف با سرعت تا ۱۳۰ کیلومتر در ساعت جان سالم به در ببرد. خودروی سدان Seal ۰۷ شرکت BYD در طول آزمایشی در چین، با سرعت ۱۳۰ کیلومتر در ساعت از کنار یک خودرو که وسط جاده ایستاده بود با مهارت خیره‌کننده‌ای رد شد تا مانع تصادف شود. این نشان‌دهنده یک ویژگی اضطراری از سیستم کمک‌راننده «چشم خدا» با نام کامل «God's Eye B» این خودروساز است.

سیستم کمک‌راننده این خودرو در این آزمایش پس از کنار رفتن خودروی شاسی‌بلند جلویی و آشکار شدن خودروی ایستاده در وسط جاده، هشدار داد و مسیر خود را به سرعت تغییر داد. این آزمایش در سرعت بالا یکی از سه آزمایشی بود که شرکت BYD برای سدان نسل دوم خود ترتیب داد. خودروی Seal ۰۷ در دو آزمایش جداگانه با سرعت ۹۰ کیلومتر در ساعت با یک کامیون در پشت سر خود، خودروی ثابت وسط جاده مانده را دورزد و در آزمایشی دیگر، از برخورد با یک آدمک کودک که از پشت یک وسیله نقلیه پارک شده بیرون آمده بود، اجتناب کرد. ویدیوی این آزمایش نشان می‌دهد که راننده به محض رویت خودروی ثابت، دستانش را از روی فرمان برمی‌دارد. بلافاصله هشدار روی صفحه کیلومترشمار ظاهر و چراغ‌های خطر خودرو روشن می‌شود.

خودروی «Seal ۰۷» به یک حسگر لایدار (Lidar) نصب شده روی سقف، ۱۲ دوربین، ۱۲ حسگر اولتراسونیک و پنج رادار موج میلی متری مجهز است. این حسگرها داده‌ها را به یک تراشه واحد «Nvidia Drive Orin X» ارسال می‌کنند که قادر به انجام ۲۵۴ تریلیون عملیات در ثانیه است. این خودروساز قصد دارد سامانه «چشم خدا» را به بازارهای خارج از چین نیز عرضه کند. قرار است خودروی استیشن واگن «GT Denza Z۹» نخستین محصول BYD باشد که قابلیت «کمک‌راننده برای مسیریابی شهری» را در اروپا ارائه می‌دهد.

آب و هوا

بارش باران و برف در ۱۳ استان از امروز
تداوم آلودگی هوا در شهرهای صنعتی

سازمان هواشناسی از بارش باران و برف در ۱۳ استان و تداوم آلودگی هوا در شهرهای صنعتی خبر داد.

مطابق نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری سازمان هواشناسی امروز دوشنبه در نیمه شمالی آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی، اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان و خراسان شمالی و همچنین ارتفاعات البرز، بارندگی و وزش باد تقویت می‌شود. بارش در ارتفاعات البرز به صورت برف خواهد بود. بعدازظهر دوشنبه در دامنه‌های زاگرس مرکزی واقع در غرب کشور و دامنه‌های جنوبی البرز نیز افزایش ابر، وزش باد و گاهی رگبار پراکنده پیش‌بینی می‌شود.

سه‌شنبه در غرب سواحل دریای خزر رگبار پراکنده و در مناطق مرکزی، شرقی و شمال شرق کشور وزش باد انتظار می‌رود. بعدازظهر این روز در استان‌های مرزی واقع در شمال غرب و غرب کشور نیز ابرناکی و بارش پراکنده پیش‌بینی شده است.

چهارشنبه در استان‌های ایلام، لرستان، غرب اصفهان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد و همچنین برخی مناطق شمال غرب و غرب کشور، ابرناکی، رگبار و رعدوبرق و وزش باد رخ می‌دهد. بارش در ارتفاعات به صورت برف خواهد بود.

پنج‌شنبه در مناطقی از مرکز، جنوب شرق و جنوب کشور افزایش ابر و وزش باد و گاهی خیزش گردوخاک پیش‌بینی می‌شود. در ارتفاعات این مناطق نیز رگبار پراکنده انتظار می‌رود.



پاییز در کوچه‌باغ‌های خوانسار

خوانسار را می‌توان یکی از نمونه‌های شاخص باغ‌شهرهای ایران دانست؛ شهری که پیوند طبیعت، معماری بومی و زندگی روزمره در کوچه‌ها و محله‌های آن جلوه‌ای چشم‌نواز دارد. محله‌هایی همچون وادشت، صحرا، چیتگا، پایتخت، صفاییه، مالگا و چهارباغ، با باغ‌ها، مزارع و کوچه‌باغ‌های قدیمی، سیمایی متفاوت به این شهر بخشیده‌اند. با فرارسیدن فصل پاییز، خوانسار چهره‌ای تماشایی‌تر به خود می‌گیرد. درختان رنگارنگ، برگ‌های فروریخته بر مسیرهای سنگ‌فرش و دیوارهای کاهگلی باغ‌ها، منظره‌ای دلنشین پدید می‌آورند. قدم زدن در این کوچه‌باغ‌ها، میان دیوارهای کاهگلی و سنگ‌چین‌های قدیمی، فرصتی برای لمس آرامش زندگی در دل طبیعت و تماشای زیبایی‌های پاییزاست. شهرستان خوانسار در فاصله حدود ۱۵۰ کیلومتری شمال غرب اصفهان قرار دارد. نام خوانسار به معنای «چشمه‌سار» است؛ نامی که به چشمه‌های فراوان این منطقه در گذشته اشاره دارد و بازتابی از پیوند دیرینه این شهر با طبیعت و منابع آبی آن است.

عکس: رسول شجاعی / ایرنا

معجزه پیاده‌روی در کاهش قند خون
راهکارهایی برای جلوگیری از افزایش شدید قند

پس از صرف یک ناهار معمولی ظاهرا هیچ چیز متفاوت به نظر نمی‌رسد، با این حال، ممکن است قند خونتان رو به افزایش باشد. آنچه در ۱۰ تا ۱۵ دقیقه بعدی رخ می‌دهد، می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

یک پیاده‌روی کوتاه و آرام پس از صرف غذا، به همراه تغییری کوچک در ترتیب مصرف خوراکی‌های موجود در بشقاب، می‌تواند به بدن در مدیریت افزایش قند خون کمک کند. این عادت‌های روزمره شایسته توجه هستند به‌ویژه برای کسانی که با دیابت زندگی می‌کنند یا کسانی که در تلاش‌اند از ابتلا به آن پیشگیری کنند. چرا که انجام این کارها نه نیازمند یک برنامه غذایی پرهزینه است، نه عضویت در باشگاه ورزشی و نه تغییری بنیادین در عادت‌های غذایی.

چرا ترتیب غذا مهم است؟

بیشتر مردم هنگام تلاش برای کنترل قند خون به آنچه می‌خورند فکر می‌کنند. اما آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که آیا ترتیب خوردن این غذاها نیز مهم است. به گفته دکتر پرامیلا کالرا، متخصص غدد، ترتیب غذا می‌تواند در مدیریت روزانه قند خون مفید باشد. او توصیه می‌کند که وعده غذایی را با سبزیجات و سایر غذاهای غنی از فیبر شروع کنید و به دنبال آن منابع پروتئینی مانند ماهی، تخم مرغ یا مرغ مصرف کنید. برنج و سایر غذاهای غنی از کربوهیدرات نیز می‌توانند پس از آن مصرف شوند.

در اهمیت پیاده‌روی ۱۰ دقیقه‌ای

عادت کوچک دیگری وجود دارد که می‌تواند پس از صرف غذا تاثیرگذار باشد؛ پیاده روی. به جای اینکه بلافاصله روی مبل بنشینید یا به پشت میز کارتان برگردید، سعی کنید ۱۰ تا ۱۵ دقیقه به‌آرامی قدم بزنید. شاید این مقدار فعالیت ناچیز به نظر برسد، اما عضلات شما نقش مهمی در تنظیم قند خون ایفا می‌کنند. وقتی غذا می‌خوریم، کربوهیدرات‌ها به گلوکز تجزیه شده و وارد جریان خون می‌شوند. انسولین کمک می‌کند تا این گلوکز به درون سلول‌ها منتقل شود؛ جایی که می‌تواند برای تولید انرژی مصرف یا ذخیره شود. انقباض عضلات در حین فعالیت بدنی می‌تواند جذب گلوکز توسط عضلات را نیز تحریک کند. این بدان معناست که عضلات می‌توانند بخشی از گلوکز موجود در جریان خون را مصرف کنند و بدین ترتیب به کاهش سطح قند خون پس از صرف غذا کمک کنند.

خواب و استرس

غذا و ورزش اغلب در مکالمات مربوط به پیشگیری از دیابت غالب هستند، اما سلامت متابولیک تحت تاثیر سایر عادات روزمره نیز قرار دارد. خواب نامناسب و استرس طولانی مدت می‌تواند بر هورمون‌های دخیل در تنظیم گلوکز و حساسیت به انسولین تاثیر بگذارد. وقتی این الگوها به صورت روتین درآیند، می‌توانند مدیریت قند خون را چالش برانگیزتر کنند. دکتر کالرا بر اهمیت خواب کافی، مدیریت استرس و فعالیت بدنی منظم در کنار یک رژیم غذایی سالم تاکید می‌کند. افرادی که از قبل دیابت دارند باید به طور ویژه به روتین‌های خود توجه داشته باشند. افرادی که انسولین یا سایر داروهای کاهش دهنده قند خون مصرف می‌کنند، باید هنگام ایجاد تغییرات در رژیم غذایی یا ورزش، توصیه‌های پزشکی را رعایت کنند، زیرا افزایش فعالیت و تغییرات در مصرف غذا می‌تواند بر سطح گلوکز خون تاثیر بگذارد و گاهی اوقات باعث هیپوگلیسمی (افت شدید قند خون) شود.

سبک زندگی

روش درست خیساندن برنج
برنج را با آب سرد خیس کنیم یا گرم؟

نحوه خیساندن برنج تاثیر مستقیمی بر قد کشیدن، عطر و طعم پلو دارد. اگر برنج درست خیس شود، دانه‌ها سفیدتر، بلندتر و خوش‌پخت‌تر می‌شوند. در این مطلب چهار مرحله ساده و اصولی خیساندن برنج را یاد می‌گیرید.

خیساندن برنج یکی از مهم‌ترین فوت‌وفن‌های پخت پلوی مجلسی و قدکشیده است. خیلی‌ها برنج را فقط آبکش می‌کنند، اما راز برنجی که ری می‌کند، خرد نمی‌شود و عطرش می‌پیچد، در همین مرحله ساده است. از میزان آب و نمک تا مدت زمان خیس خوردن، هر جزئیات کوچکی نتیجه نهایی را تغییر می‌دهد. در ادامه، نحوه خیساندن برنج را در چهار مرحله عملی و بدون دردسر مرور می‌کنیم.

مرحله ۱: برنج را به‌اندازه پیمانه کنید

ابتدا متناسب با تعداد نفرات، برنج را پیمانه کنید. معمولا برای هر نفر یک پیمانه سرخالی برنج در نظر گرفته می‌شود، اما اگر پیش غذا و خوراک مفصل دارید، می‌توانید مقدار را کمی کمتر بگیرید.

مرحله ۲: برنج را تمیز و پاک کنید

برنج را داخل یک سینی بزرگ و تخت پهن کنید و از یک گوشه شروع به جدا کردن سنگ ریزه، شلتوک و دانه‌های تیره کنید تا کل سینی بررسی شود. این کار باعث می‌شود زیر دندان رفتن سنگ در پلو به طور کامل حذف شود.

مرحله ۳: شست‌وشوی اصولی بدون خرد شدن برنج

برنج پاک‌شده را در کاسه یا لگن بریزید و روی آن آب ولرم بریزید؛ نه آب داغ و نه آب خیلی سرد. کمی مکث کنید تا خرده‌چوب، سبوس و حشرات احتمالی روی آب شناور شوند. سپس به‌آرامی آب روی برنج را خالی کنید و دوباره آب تازه بریزید. این کار را دو تا سه بار تکرار کنید تا آب کاملا زلال شود. در زمان شستن، برنج را چنگ نزنید و زیاد هم نزنید تا دانه‌ها نشکنند.

مرحله ۴: خیساندن برنج با آب و نمک

بعد از شستن، روی برنج به‌اندازه دو تا سه بند انگشت بالاتر از سطح برنج، آب ولرم بریزید؛ یعنی تقریبا برای هر یک پیمانه برنج، دو برابر آب. سپس نمک اضافه کنید. برای هر دو تا سه پیمانه برنج، یک قاشق غذاخوری نمک کوبیده کافی است. برنج را بین یک تا ۲۴ ساعت در آب نمک استراحت دهید. هرچه زمان خیس خوردن بیشتر باشد (در حد متعادل)، برنج موقع پخت قد بلندتر و اصطلاحا ری بیشتری خواهد داشت. اگر عجله دارید و برنج را خیس نکنید هم پلو می‌شود، اما کیفیت و قد آن کمتر خواهد بود.

سه نکته مهم درباره نمک و نگهداری برنج خیسانده

۱. نمک سنگ بهتر است یا نمک کوبیده؟

در گذشته نمک سنگ را داخل کیسه پارچه‌ای روی برنج می‌گذاشتند. سنگ بودن نمک خاصیت جادویی ندارد؛ نمک باعث سفیدتر شدن دانه‌ها و جلوگیری از ترش شدن آب می‌شود. قدیمی‌ها چون نمک را در خانه می‌کوبیدند، حیفشان می‌آمد نمک کوبیده را در آب بریزند و از نمک نکوبیده استفاده می‌کردند. امروز اگر نمک سنگ ندارید، با خیال راحت از نمک معمولی استفاده کنید. فلسفه کیسه پارچه‌ای هم فقط جلوگیری از مخلوط شدن شن و ناخالصی نمک با برنج بود.

۲. برنج خیسانده را چند روز می‌توان نگه داشت؟

اگر مقدار زیادی برنج خیس کرده‌اید و روزانه بخشی از آن را مصرف می‌کنید، حداکثر ۶ تا هفت روز فرصت دارید. ماندن بیشتر برنج در آب باعث ضایع شدن و ترشیدگی آن می‌شود.



۳. بهترین آب برای خیساندن برنج چیست؟

هم برای شستن و هم برای خیساندن، آب ولرم بهترین انتخاب است. آب داغ بافت برنج را شل می‌کند و آب خیلی سرد، نمک را دیرتر حل می‌کند.

#تجربه_کردم

یکی از سخت‌ترین مرحله‌های «شدن» اینه که ازت بپرسن:
در فلان تخصص (یا ویژگی)، کسی رو می‌شناسی؟...
و تو... که خودت گزینه سرآمد همونی...
و می‌دونی کس دیگه‌ای نمی‌تونه جای تو رو بگیره. فقط به خاطر متهم نشدن به خودشیفتگی و غیره. لازم باشه اسم کس دیگه‌ای رو بگی!

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

چرا بچه‌ها از مشق نوشتن فراری هستند؟

خستگی، ضعف تمرکز، درک نکردن درس یا ندانستن نقطه شروع، گاهی پشت مقاومت کودکان در برابر تکالیف مدرسه پنهان است.

ساعت از عصر گذشته، کیف مدرسه گوشه اتاق افتاده و قصه تکراری هر روز دوباره در خانه شروع شده است؛ کلافگی والدین از یک‌سو و طفره رفتن کودک برای انجان تکالیف از سوی دیگر.

نفیسه عباسی‌غریب، روان‌شناس کودک و نوجوان و کارشناس فرزندپروری، با اشاره به این موقعیت آشنا در خانواده‌ها می‌گوید: «یکی از چالش‌های پرتکرار بین والدین و بچه‌ها، انجام ندادن تکالیف مدرسه است. خیلی وقت‌ها وقتی بچه تکالیفش را انجام نمی‌دهد، اولین واکنش ما تذکر دادن است؛ از برو درست را بخوان گرفته تا چند بار باید بهت بگم آخه؟!»

کودک «نمی‌خواهد» یا «نمی‌تواند»

خیلی وقت‌ها تذکرهای پی‌درپی نه‌تنها کودک را پای درس نمی‌نشاند، بلکه فضای خانه را هم متشنج می‌کند؛ چراکه پیش از هرواکنشی باید دلیل اصلی این مقاومت را پیدا کرد. عباسی‌غریب از والدین می‌خواهد پیش از سرزنش کردن کودک، زاویه دید خود را تغییر دهند: «بیایید یک لحظه از خودمان بپرسیم: آیا بچه من واقعا نمی‌خواهد تکالیفش را انجام بدهد یا انجام دادن آن برایش سخت است؟ ممکن است خسته باشد، تمرکز کافی نداشته باشد، درس را خوب متوجه نشده باشد یا اصلا نداند از کجا باید شروع کند.»

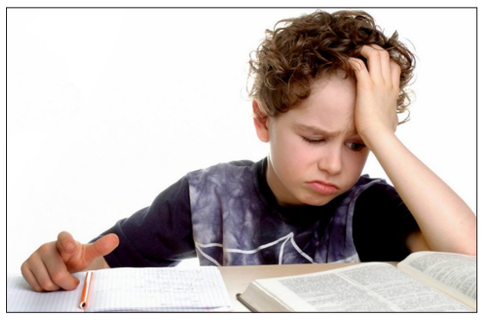
سه گام ساده برای عبور از چالش مشق شب

وقتی والدین متوجه شوند که پشت این سرباززدن‌ها یک دشواری پنهان وجود دارد، مسیر همراهی با کودک هموارتر می‌شود. این کارشناس فرزندپروری برای مدیریت این موقعیت تاکید می‌کند: «برای کمک به او سه کار ساده انجام بدهید:

- اول؛ انتخاب زمان مناسب؛ زمان مناسبی را برای انجام تکالیفش در نظر بگیرید؛ نه درست وقتی که از مدرسه برگشته و خسته است.
- دوم؛ تقسیم کردن تکالیف؛ تکالیف را به بخش‌های کوچک تقسیم کنید. مثلا به جای اینکه بگویید برو همه مشق‌هایت را بنویس، بگویید اول پنج خط را انجام بده و بعد گام به گام با او پیش بروید.
- سوم؛ همراهی به جای کنترل‌گری؛ به جای کنترل دائمی، کنارش باشید و برای شروع کردن گاهی به او کمک کنید.»

کمک کنید، اما قبول مسئولیت نه!

البته همراهی با فرزند در انجام تکالیف، مرز مشخصی دارد که نباید به وابستگی او منجر شود. عباسی غریب در پایان با تاکید بر این موضوع خاطرنشان می‌کند: «کمک کردن به این معنا نیست که شما به جایش کاری را انجام بدهید. قرار نیست ما مسئول انجام تکالیف بچه باشیم؛ قرار است کمک کنیم تا کم‌کم یاد بگیرد چطور مسئولیت درس خواندنش را بپذیرد. یادتان باشد گاهی مشکل بچه بی‌مسئولیتی نیست، بلکه مهارتی است که هنوز یاد نگرفته و لازم است که ما به او آموزش بدهیم.»



آیا واقعا ویتامین ب ۱۲ سطح انرژی را افزایش می‌دهد

وبگاه گاردین در گزارشی آورده است: اگر وقت خود را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانید، ممکن است صاحبان کلینیک‌های زیبایی و پوست را دیده باشید که تزریق ویتامین ب ۱۲ را به عنوان یک انرژی بخش توصیف می‌کنند.

به گفته آنها، یک تزریق سریع آنها را سرپا نگه می‌دارد و توصیه می‌کنند هر چند هفته یکبار تزریق کنند. ب ۱۲ برای سلامت ضروری است و کمبود آن می‌تواند باعث خستگی شدید شود، اما بیشتر افراد به اندازه کافی این ویتامین را دارند و دوزهای اضافی برای آنها احتمالا کمکی نمی‌کند.

ویتامین ب ۱۲ چیست؟

ب ۱۲ به طور طبیعی در غذاهای حیوانی مانند گوشت، ماهی، تخم مرغ و لبنیات یافت می‌شود و به برخی غلات صبحانه اضافه می‌شود. این ویتامین به ساخت گلبول‌های قرمز و دی‌ان‌ای کمک می‌کند، اعصاب را سالم نگه می‌دارد و در تبدیل غذا به انرژی نقش دارد و شهرت آن به عنوان تقویت‌کننده انرژی از همین جا می‌آید. آندریا دین، متخصص خون شناسی در مرکز پزشکی دانشگاه لویولا در شیکاگو، می‌گوید: کمبود ب ۱۲ می‌تواند به کم خونی، مشکلات حافظه، افسردگی و خستگی منجر شود و در موارد شدید، بی‌حسی و سوزن سوزن شدن دست و پا ایجاد کند.

ویتامین ب ۱۲ و انرژی؛ افسانه یا واقعیت؟

افرادی که به دلیل کمبود ویتامین ب ۱۲ خسته‌اند یا احساس می‌کنند ذهن‌شان کند شده، مصرف این ویتامین کمبود انرژی‌شان را برطرف می‌کند. اما اگر سطح ویتامین ب ۱۲ کافی باشد، دریافت مقدار بیشتر نه باعث می‌شود کمتر احساس خستگی کنید و نه عملکرد ورزشی‌تان را بهتر می‌کند. دین این را به پرکردن باک بنزین تشبیه می‌کند؛ اگر باک پر باشد، بنزین بیشتر سرعت ماشین را افزایش نمی‌دهد.

برخی افراد پس از تزریق ب ۱۲ احساس انرژی بیشتری می‌کنند که ممکن است اثر دارونما (درمان بی‌اثر) باشد؛ یعنی انتظار بهبود، خودش باعث احساس بهبود می‌شود، حتی اگر ماده موثری در کار نباشد. دین می‌گوید: می‌دانیم بخشی از این احساس کاملا ذهنی است. ب ۱۲ عموما ایمن است، حتی در دوزهای بالا، زیرا بدن آنچه را نیاز ندارد دفع می‌کند؛ اما اگر سطح این ویتامین در بدن طبیعی باشد، تزریق‌ها احتمالا ارزش هزینه‌شان را ندارند.

درمان چگونه است؟

ب ۱۲ به صورت قرص یا تزریق مصرف می‌شود. تزریق برای کمبود شدید، علائم عصبی یا شرایطی مانند کم خونی پرنیشیوز که مانع جذب ب ۱۲ می‌شود، بهترین گزینه است. دین می‌گوید وقتی علائم عصبی وجود دارد، مسئله را جدی می‌گیریم. برای بسیاری از افراد، قرص هم به اندازه تزریق موثر است و هزینه کمتری دارد.